

علی ربیعی
هنر، امداد اجتماعی
و ضرورت تولید
شادی در بحران

محمدعلی ابطی
رسانه ملی چگونه
مرجعیت خود را از
دست می‌دهد؟

مرتضی شهبازی‌نیا
مساله حقوق
اعضای هیات علمی

مانی محرابی
تنگه‌هرمز
گلوگاه انرژی جهان

علی اصغر شعر دوست
مهر
ایران زمین

مهدی دهقان منشادی
ناقص الخلقه
رنج افزا

توکاملکی
رنج و فاجعه
زیر پوست
شوخ طبعی

محمدضاسدزاده
از آیدا برای
شاملو تاماهاد
برای خرسند

سیمایی

بی شباهت به ایران

فعالان سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا به عملکرد ادیوو و تلویزیون نمره می‌دهند

۵۰۲



محمدصفری / اجماران ۴

شاهدان حمله موشکی به لامرد در گفت و گو با «اعتماد»
جزییات این حمله را روایت کردند

معمای ترکش های امریکایی

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵
۲۴ ذی الحجه ۱۴۴۷
۱۰ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست و سوم
شماره ۶۳۴۲
۸۰۲ صفحه
۴۰۰۰۰ تومان

ETEMAD Mon 10 Jun 2026 vol. 23 No. 6342 8+2 Pages 400000 Rials

زنگ خطر اتمام موجودی قطعات و مواد اولیه

بازار خودرو در بلا تکلیفی

۶

«اعتماد» در گفت و گو با ابوالقاسم دلفی بررسی می‌کند

شترنج و اشنگن دروین

۳

گفت و گو با ابراهیم حقیقی به مناسبت
برپایی نمایشگاه «تیغ اندیشی‌ها» در گالری سهراب

این تیغ نه از بهر ستمکاران کردند

۷

مطالب صفحات اینترنتی



قاضی سابق دادگاه کیفری در مورد قتل و
خودکشی در دانشگاه قزوین به «اعتماد» می‌گوید

سهل انگاران مواخذه
می‌شوند

۱۰



بررسی آغاز جام جهانی
با ستاره نسل طلایی ایران، مهدی پاشا زاده

ایرانی اهل روزهای
سخت است

۹

سرمقاله

قطار توسعه دولت پزشکیان



بهروز بهزادی

دیروز شهر زیبای اردبیل صاحب قطار شد تا از دبیلی‌ها با سوار شدن بر آن بتوانند به شبکه سراسری راه آهن ایران در شهر میانه برسند. در واقع سفر از بسیاری نقاط کشور به اردبیل و بالعکس با قطار بسیار آسان و بتواند خط آهن را از آن گذر دهند. پروژه ساخت این خط آهن ۲۰ سال پیش آغاز شده بود که با همت دولت پزشکیان دیروز توسط رئیس‌جمهور افتتاح شد تا یک طرح ۲۰ ساله در دولتی که اقتصاد ناشی از جنگ بر بدنه‌اش سنگینی می‌کند، بتواند اثبات کند که قادر به طرح‌های عمرانی نیز هست. روزی که نیروی مدافع خط آهن دست به دست هم دادند تا نخستین قطار در کره زمین به حرکت در آید، در یکی از شهرهای انگلستان، حدود ۲۰۰ سال پیش بود.

جالب این است که خط آهن از ۴۰۰ سال پیش مورد استفاده بشر بود و با قدرت اسب و قاطر یک یا چند واگن روی آن حرکت می‌کرد. اما در سال ۱۷۶۹ که جیمز وات اولین دیگ بخار را برای به حرکت در آوردن موتورهای اولیه ساخت، سال‌ها طول کشید که حرکت آهن روی آن نوبد خط آهن را به جهانبان بدهد و از آن پس پیشرفت و توسعه اروپا و سپس آمریکا و از آن آغاز شد. چنین بود که خطوط آهن چون مویرگ‌های بدن آدمی بر بدن کره زمین نوبد توسعه و پیشرفت بشر را داد. در همان زمان هیچ وسیله‌ای نبود که مثل خط آهن شمار زیادی از مردمان را روی زمین بگستراند و شهرهای جدیدی را برای زندگی جوامع بشری به وجود آورد. گفتنی است که توسعه کشور در حد بالایی مدیون راه‌های مواصلاتی و در راس آنها راه‌آهن بوده است. و این مهم در ایران نیز باید مدنظر باشد. سرزمین بزرگ ایران را هیچ چیز جز راه‌آهن و شبکه‌های سراسری بزرگ ایران «خالق مراقبت» بودند، اخلاقی که ستون پنهان تداوم زندگی اجتماعی در شرایط بحرانی است.

جامعه

هنر، امداد اجتماعی و ضرورت تولید شادی در بحران

علی ربیعی

قدرتانی از امدادگران، بازسازی سرمایه اجتماعی است
در روزگار بحران، جامعه فقط با آسیب‌های عینی و بیرونی مواجه نیست؛ آنچه به همان اندازه اهمیت دارد، فرسایش درونی جامعه است: کاهش امید، تضعیف احساس امنیت، گسترش اضطراب و فرسودگی روانی در چنین شرایطی، هرکنشی که نتواند همدمی، اعتماد و احساس با هم بودن را تقویت کند، باید فراتر از یک اقدام نمادین دیده شود. در دوران جنگ متأسفانه از همه ظرفیت‌های نهادهای برای آرامش جامعه نه تنها استفاده نشده، بلکه سیاستی برای ظرفیت‌سازی جهت حضور آنها نیز فراهم نشده. بسیاری از نهادهای مدنی در عرصه‌های مختلف از جمله هنر، به‌طور خلاصه اقداماتی را انجام دادند. سه شب اجرای گروه لیان با همکاری موزه سینما در سالن میلان نمایشگاه بین‌المللی تهران، در قدرانی از آتش نشانان، نیروهای هلال احمر، اورژانس و گروه‌های امدادی و همچنین پرفورمنس کارمشرک خانه‌تئاتر، موسیقی و سینما با شرکت هنرمندانی همچون پرویز پرستویی و مرزویه برومند از همین جنس بوده، ویدادی که باید آن را در قالب یک کنش اجتماعی و فرهنگی معنادر فهم کرد. بحران فقط ز بساخت‌ها را تخریب نمی‌کند؛ منظر جامعه‌شناسی، بحران تنها به برانی‌های فیزیکی یا تلفات انسانی محدود نمی‌شود. هر بحران، به‌ویژه اگر تجربه‌ای جمعی و پراشده باشد، باید به‌عنوان عمیق‌تری از زندگی اجتماعی رانیز در گریز می‌کند: اعتماد عمومی، حس تعلق، امنیت روانی و توان جامعه برای ادامه دادن، به‌همین دلیل، نیروهایی که در دل بحران به یاری مردم می‌تابند، فقط خدمات امدادی را به نمی‌کنند؛ آنها به جامعه این اطمینان را می‌دهند که در لحظات سخت، هنوز شبکه‌ای از مسولیت، مراقبت و همراهی وجود دارد. نهادهای مدنی و همه سازمان‌ها و نهادهایی که در جریان جنگ اخیر با رشادت در کنار مردم ایستادند، در واقع حاملان نوعی «خالق مراقبت» بودند، اخلاقی که ستون پنهان تداوم زندگی اجتماعی در شرایط بحرانی است.

ادامه در صفحه ۴

گفتار

رسانه ملی چگونه مرجعیت خود را از دست می‌دهد؟

محمدعلی ابطی

این روزها آنچه در بخش قابل توجهی از برنامه‌های صداوسیما دیده می‌شود، بیش از آنکه بازتاب‌دهنده واقعیت متکثر جامعه ایران باشد، نمایشی پررنگ از یک قرانت محدود، جناحی و گاه افراطی از سیاست و مطالبات عمومی است. مساله البته به فراتر از دولت نیست؛ چراکه تقدیم‌صفت، حرف‌های و مستندته‌ها حق رسانه‌هاست، بلکه یکی از وظایف اصلی آن است. مساله از جایی آغاز می‌شود که رسانه‌های با عنوان «ملی» در عمل به بستری برای تخریب یک جریان سیاسی، نادیده گرفتن بخش قابل توجهی از مطالبات مردم و تقویت نگاه‌های تدریجانه تبدیل شود. ریشه این وضعیت را باید در شیوه مدیریت صداوسیما جست‌وجو کرد. زمانی که انتخاب مدیران ارشد رسانه نه بر پایه تخصص، تجربه حرف‌های، شناخت افکار عمومی و مهارت رسانه‌ای، بلکه بر اساس ملاحظاتی سیاسی و جریانی انجام شود، طبیعتاً است که خروجی چنین ساختاری نیز به جای تنوع، گفت‌وگو و همگرایی، به سمت حذف، یکدست‌سازی و خلص‌سازی حرکت کند. زمانی علی‌الرحمانی شهید از واژه خالص‌سازان استفاده کرد تا وضعیت حاکم بر یک جریان خاص در حوزه مدیریتی کشور از جمله صداوسیما را بازتاب دهد. این گونه است که مدیران رسانه‌ای به جای آنکه خود را نماینده همه مردم بدانند، بیشتر در قامت سخنگوی یک طیف خاص ظاهر می‌شوند. مشکل مهم‌تر زمانی بروز می‌کند که این نگاه، نه فقط قریب‌سیاسی بلکه هرصدای متفاوت معتدل و منتقد را نیز بر نمی‌تابد. اگر چه‌های به برنامه‌های دعوت‌شده اما در آینده‌نگری به عملکرد صداوسیما داشته باشند، دیگر امکان حضور در برنامه‌های صداوسیما پیدا نمی‌کند. رسانه‌ای که در تقدیر تحمل‌کننده به تدریج توان گفت‌وگو با جامعه را نیز از دست می‌دهد. فردی از مسولان کشور تعریف می‌کرد که در تجمعی مردم از مدیران صداوسیما خواسته بودند در برنامه‌های صداوسیما از چهاره‌ها، افراد و گفت‌مان‌های مختلف استفاده شود. مدیران رسانه ملی پاسخ داده بودند در جنگ ۱۲ روزه بر برخی چهره‌های معتدل، متفاوت و اصلاح‌طلب (از جمله خود بنده) در برنامه‌های صداوسیما دعوت شد، اما این افراد بعدها از مدیریت صداوسیما نقد کردند؛ بنابراین در‌های صداوسیما به روی این افراد بسته شد!

ادامه در صفحه ۴

آموزش

مساله حقوق اعضای هیات علمی

مرتضی شهبازی‌نیا

اختلاف اخیر میان دانشگاه‌ها و سازمان برنامه‌بودجه بر سر افزایش حقوق اعضای هیات علمی، صرفاً یک نزاع اداری یا مالی نیست، بلکه نشانه بحرانی عمیق‌تر در ساختار آموزش عالی ایران است. مساله فعلی را نباید فقط به عدم تناسب حقوق استادان دانشگاه با تورم یا عدم اجرای مصوبات هیات‌های امناء و کاست، بلکه باید آن را به نحوه فهم ما از «دانشگاه» بازگرداند. ماندگاه‌ها رانه نهادهای علمی، مستقل و رقابتی، بلکه بخشی از بروکراسی دولتی فاقد استقلال می‌دانیم که رقابت علمی در آن به درستی شکل نگرفته و ارتباطش با جامعه و اقتصاد نیز روشن نیست. در نظام‌های آموزش عالی نسبتاً موفق، دانشگاه‌ها هویت و مأموریت مستقل دارند و برای جذب استادان برجسته دانشجویان ممتاز و منابع پژوهشی بایدکنندگی رقابت می‌کنند. حقوق اعضای هیات علمی نیز تابع کیفیت علمی، عملکرد پژوهشی و جایگاه دانشگاه است. دانشگاه‌ها در جذب نیرو، توسعه رشته‌ها، طراحی برنامه‌های درسی و تخصیص منابع اختیار گسترده دارند و استفاده دایمی استادان معمولاً پس از ارزیابی سختگیرانه انجام می‌شود. در ایران عزیز ما تقریباً همه دانشگاه‌ها با الگوی متمرکز و مشابه اداره می‌شوند؛ چنانکه گویی شعبه‌هایی از یک دستگاه اجرایی و تابع نظام مین سلسله‌مراتب اداری هستند. دانشگاه‌های پژوهش محور حاضر در رقابت موجود ندارد. استخدام رسمی که در ایند برای حمایت از استقلال علمی طراحی شده بود، در عمل و در سایه روش جذب متمرکز علاوه بر تبعیض به کاهش رقابت و تحرک علمی نیز انجامیده است. گسترش بی‌ضابطه آموزش عالی در سده‌ها گذشته، بحران را تشدید کرده است. توسعه انواع دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، بیش از آنکه بر نیاز واقعی اقتصاد و ظرفیت علمی کشور استوار باشد.

ادامه در صفحه ۲

دیپلماسی

تنگه‌هرمز گلوگاه انرژی جهان

مانی محرابی

است. بازار نفت یکی از حساس‌ترین بازارهای جهانی نسبت به تحولات ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود و به دلیل وابستگی شدید عرضه انرژی به ثبات مسیرهای حمل‌ونقل، هرگونه تهدید یا اختلال در این مسیرها می‌تواند بلافاصله بر قیمت‌ها اثر بگذارد. در چنین شرایطی، تنگه‌هرمز به یکی از مهم‌ترین نقاطی تبدیل شده است که سطح ریسک در بازارهای انرژی از طریق آن سنجیده می‌شود. معامله‌گران، شرکت‌های انرژی و دولت‌ها همواره تحولات این منطقه را به دقت دنبال می‌کنند، زیرا کوچک‌ترین نشانه‌ای از تنش یا بی‌ثباتی در اطراف این آبراه می‌تواند پیامدهای اقتصادی قابل توجهی داشته باشد. در بسیاری از موارد حتی انتشار خبرهایی درباره احتمال تهدید امنیت کشتیرانی در تنگه‌هرمز برای ایجاد نوسان در قیمت نفت کافی بوده است. این واکنش سریع بازارها نشان می‌دهد که اهمیت این گذرگاه تنها به حجم انرژی عبوری از آن محدود نیست، بلکه به جایگاه آن در ذهن فعالان بازار صادرات گاز طبیعی مایع است و بخش عمده LNG قطر از طریق آن به بازارهای جهانی می‌رسد. اهمیت این گذرگاه به تمرکز عظیم منابع نفت و گاز در منطقه خلیج‌فارس نیز مرتبط است؛ جایی که کشورهای مانند عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت، امارات و قطر از تولیدکنندگان اصلی انرژی جهان به شمار می‌روند و بخش زیادی از صادرات آنها از بنادر این منطقه انجام می‌شود. باتوجه به ساختار جغرافیایی منطقه، اغلب مسیرهای صادراتی این کشورها ناگزیر به تنگه‌هرمز ختم می‌شود. به بیان دیگر، این گذرگاه حلقه اتصال میان منابع عظیم انرژی در خاورمیانه و بازارهای مصرف در آسیا، اروپا و سایر مناطق جهان است. همین ویژگی باعث شده است که تنگه‌هرمز به مهم‌ترین گلوگاه انتقال انرژی در جهان تبدیل شود؛ نقطه‌ای که هرگونه اختلال در آن می‌تواند آثار اقتصادی گسترده‌ای در سطح بین‌المللی ایجاد کند. از این منظر، تنگه‌هرمز را می‌توان بخشی از زیرساخت حیاتی اقتصاد جهانی دانست. در واقع همان‌گونه که شبکه‌های خطوط لوله، بنادر و پایانه‌ها نقش کلیدی در زنجیره عرضه انرژی دارند، این گذرگاه نیز به‌عنوان یک از حیاتی‌ترین مسیرها در شبکه حمل‌ونقل در باقی انرژی عمل می‌کند. نقش تنگه‌هرمز در شکل‌دهی به بازارهای جهانی انرژی - اهمیت تنگه‌هرمز تنها به جریان فیزیکی نفت و گاز محدود نمی‌شود، بلکه به نقش آن در شکل‌دهی انتظارات و محاسبات بازارهای جهانی انرژی نیز مربوط

ادامه در صفحه ۳

وبسایت‌ها گروه رسانه‌ای «اعتماد»
سایت جنایی
سینما اعتماد
اعتماد آنلاین
روزنامه تعادل
روزنامه اعتماد

اگر از مسولان یا ادارات و سازمان‌های کشور سوال دارید به این شماره پیامک کنید
شماره پیامکی
ایمیل
اگر در محل کار خود یا در ارتباط با کارهایتان در سازمان‌های مختلف با مشکل روبه‌رو شده‌اید گلیه‌های خود را در اینجا مطرح کنید. روزنامه اعتماد در خدمت مردم عزیز ایران است، ما را یاری کنید که بیشتر پرسشگر باشیم.

راهبرد

آیین وداع بار رهبر شهید انقلاب بعد از دهه اول محرم بر گزار می شود

ایرنا | ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید اعلام کرد: مراسم وداع، تشییع و تدفین آن یگانه دوران بعد از دهه اول محرم و هماهنگی های نهایی دستگاه های مسوول و گروه های مردمی برای خدمت رسانی شایسته به مردم عزیز عزادار بر گزار خواهد شد. در اطلاعیه شماره ۲ ستناد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید حضرت آیت الله العظمی خاмене‌ای (قدس الله‌نفسه‌الزاکیه) آمده است: باتوجه به بز نامهربانی های گسترده انجام شده برای برگزاری باشکوه مراسم وداع، تشییع و تدفین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خاмене‌ای قدس‌الله‌نفسه‌الزاکیه و شهیدانی کیه و شهیدای خانواده رهبر انقلاب اسلامی، به اطلاع می‌رساند گمانه‌زنی‌ها و شایعات منتشر

حوایا پاستور

وزیر ارتباطات در نشست خبری اعلام کرد اینترنت عامل مشکلات نیست

«اینترنت عامل مشکلات کشور نیست.» این عباراتی است که وزیر ارتباطات دولت چهاردهم با استفاده از آن تصویری از همه مخالفت‌هایی ابراهه کرد که در زمان رفع انسداد اینترنت متوجه دولت ووزارت ارتباطات شده‌است. ستار هاشمی همچنین رویکرد دولت درخصوص اینترنت را حفاظت از حق دسترسی مردم به اینترنت بین‌المللی و تلاش برای افزایش پهنای باند اعلام کرد. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات خسارت وارده به زیرساخت‌های ارتباطی در جریان جنگ تحمیلی اخیر ۶۸۱ همت اعلام کرد و با اشاره به محدودیت‌های وضع شده برای اینترنت در ایام جنگ گفت:وزارت ارتباطات در تصمیم‌گیری‌های محدودکننده، تنها «آخرین حلقه» زنجیره است و نباید کاستی‌های حوزه‌های دیگر (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی) را به گردن این وزارتخانه انداخت. سیدستار هاشمی روز سه‌شنبه در نخستین نشست خبری خود با اصحاب رسانه به انتقادات موجود پیرامون محدودیت‌های اینترنتی پاسخ داد و خاطر نشان کرد: ما به خوبی نسبت به مطالبات مردم آگاهییم. با این حال باید توجه داشت که در زنجیره تصمیم‌گیری‌های کلان، وزارت ارتباطات «آخرین حلقه» است. بسیاری از مشکلات و کاستی‌ها که در حوزه‌های فرهنگ، سیاست و اقتصاد رخ می‌دهد، نباید به حوزه ارتباطات نسبت داده شود. وی اعلام کرد: ارتباطات و اینترنت، بستری برای ایجاد شفافیت‌ور اتقای کارآمدی کشور است وبنابراین دسترسی حرکت کنیم که این بستر پیشرفت، به‌اشتباه عامل اصلی مشکلات حوزه‌های دیگر تلقی شود. وزیر ارتباطات به موضوع سیمکارت‌های سفید اشاره کرد و گفت: در ارتباطات بین‌الملل به این جنبه اینکه مساله را حل کنیم، صورت مساله را حل می‌کنیم و می‌بینیم که بعد از مدتی این موضوع بار دیگر ان هم با شدت بیشتر بازمی‌گردد؛ بنابراین باید از تجاری‌کردن در این حوزه داریم. در سر بگیریم. هاشمی ادامه داد: اگر از سال ۱۴۰۱ شاهد محدودسازی و مسدودسازی هستیم، که آن مقطع استفاده از وی‌پی‌ان و فیلتر شکن‌ها، موضوع ضدارزش بود اما الان فیلتر شکن‌ها به چالش حکمرانی در کشور تبدیل شده‌اند در حالی که در آن سال هاستفاده از فیلتر شکن قبح داشت و کسی از آن استفاده نمی‌کرد. وی اظهار داشت: سیاحت و سیمکارت‌های سفید به ۱۳۹۹ برمی‌گردد اما در سال ۱۴۰۴ وقتی موضوع سیمکارت‌های سفید مطرح شد، اتفاقی که افتاد این بود که بسیاری اعلام کردند که سیمکارت سفید نداریم و فیلتر شکن استفاده می‌کنیم. وزیر ارتباطات با تاکید بر اینکه حکمرانی در حوزه

ادامه از صفحه اول

مساله حقوق اعضای هیات علمی

تابع تقاضای اجتماعی برای مدرک، توسعه منطقی‌ها و ملاحظات سیاسی شد و شمار دانشجویان اعضای هیات علمی و کارکنان به شدت افزایش یافت، بدون آنکه منابع مالی متناسبی فراهم‌شوددر نتیجه‌بوده‌عمومی محدود میان شبکهای گسترده از موسسات، توزیع و کیفیت آموزشی و پژوهشی به تدریج فرسوده شد. در بسیاری از نظام‌های نسبتاً موفق، مأموریت دانشگاه‌ها از یکدیگر تفکیک می‌شود. همه دانشگاه‌ها، پژوهش محور یا دارای تحصیلات تکمیلی گسترده نیستند و لذا منابع بر تعداد محدودی دانشگاه اصلی و پژوهشی متمرکز می‌شود، در ایران ماهمه موسسات آموزشی عالی می‌خواهند هم‌زمان آموزش ببینند، ناموریت دانشجویان در این کشور در تولید مقاله حضور داشته‌باشند؛ اگر از ظرفیت واقعی برخوردار نباشند، جذب اعضای هیات علمی و اضعای بورس نیز در موارد بسیاری نه بر اساس نیاز واقعی دانشگاه، بلکه تحت تاثیر مداخلات بیرونی و بدون توجه به معیار علمی صورت گرفته‌است. مشکل دیگر، فقدان اشتغال واقعی دانشگاه‌هاست. هر چند از هیات‌های اناسخن گفته می‌شود، اما تصمیمات کلان و اصلی غالباً بیرون از دانشگاه اتخاذ می‌شود. وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان امور استنادی، مجلس و برخی نهادهای دیگر، هر یک بخشی از سیاستگذاری آموزش عالی را در اختیار دارند. اختلاف اخیر درباره حقوق اعضای هیات علمی این واقعیت‌را آشکار کرد: حتی مصوبات هیات‌های امنی متشکل از مقامات عالی‌رتبه دولتی و منسوب دولت، بدون تأیید دولت و سازمان برنامه و سهمیه‌ها تا قدرصل‌ها و تبصه‌های آرازیایی، در نتیجه، دانشگاه‌بیش از آنکه نهادهای تخصصی و خودنظم‌گر باشند، عرصه مداخله دایمی قدرت و سیاست است. واقعیت این است که آموزش عالی ایران کوشیده‌است دولگوی متفاوت راه‌هم‌زمان و در قالب ساختاری واحد ااحدها کند: از یک سو دانشگاه پژوهشی و رقابتی در سطح جهانی و از سوی دیگر آموزش عالی تودهای و متمرکز که برخلاف نظام مدرس

Siasat@etemadnewspaper.ir

رد رو با سوزه



«اعتماد» در گفت‌وگو با ۱۰ فعال سیاسی و حقوقی عملکرد صدا و سیما در دوره اخیر را بررسی می‌کند

ضد وفاق

فعالان سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا پاسخ می‌دهند

چرا صدا و سیما در مسیر خلاف مطالبات مردم و دولت منتخب حرکت می‌کند؟

مهدی بیک‌اوغلی

ریشه‌های تخریب گسترده صدا و سیما نسبت به مطالبات اکثریت مردم، دولت منتخب و دورنمای توسعه‌از کجا نشات می‌گیرد؟ کافی است این روزها یکی از شبکه‌های صدا و سیما را باز کنید تا یادمانه وسیعی از تخریب‌ها، حاشیه‌ساری‌ها، توهین‌ها و رویکردهای غیرمشفافانه، رسانه ملی نسبت به عملکرد دولت و نظام تصمیم‌سازی‌های کشور، روبه‌رو شوید. یک روز نامه تریا به وند مذاکرات که مصوبه شعام و تایید امضای رهبری را بر تارک خود دارد می‌تازد و روز دیگر، جنجال‌های مربوط به برنامه «خدیجان انقلاب» جامعه و تحلیلگران را در بهت و حیرت فرومی‌برد. مردم این روزها از خود می‌پرسند که مگر غیر از این است که صدا و سیما باید در راستای تحقق اهداف دولت و نظام حرکت کند؟ این تخریب‌ها همه‌ما مجرا نیستند، کار حتی به‌سانتور بخش‌هایی از پیام رهبر انقلاب نیز رسیده است. بخش‌هایی از پیام که مستقیماً از ضرورت تلاش برای انسجام و دوری از تفرقه رف هنمودهایی روشن داده بود، اما صدا و سیما به جای تلاش برای ایجاد انسجام و اتحاد با فضا دادن به چهره‌هایی که مذاکره را از اساس حرام می‌دانند و تیم دیپلماتی، اهداف حملات خود قرار می‌دهند نه تنها باری از دوش دولت و نظام تصمیم‌سازی‌های کشور بر نمی‌دارند بلکه خود به‌باری سنگین بدل شده‌اند. در غیاب چهره‌های فرهیخته و دانشگاهی و کارشناسی، تریبون‌های صدا و سیما برای روز در اختیار برخی تهرودها قرار می‌گیرد چشم‌در چشم مردمی دوزنده و دولت‌منتخب‌آنها توهین می‌کنند. روز دیگر نوبت به تندروی یکی دیگری می‌رسد تا گفتمان یک جناح اقلیت را فرساید بزند، بدون اینکه برای

جریان مقابل نیز فرصتی برای پاسخ و طرح دیدگاه فراهم شود. این نوع برخوردها در ماجرای رفع انسداد از اینترنت نیز تکرار شد. در شرایطی که اکثریت ایرانیان رفع انسداد از اینترنت تبین‌المعلی (البلتبع، رفع کامل فیلترینگ) از دولت

منتخب خود طلب می‌کنند، تریبون‌های صدا و سیما یکسره در اختیار چهره‌هایی قرار می‌گیرد که رف انسداد اینترنت نیز، ایک گناه نامشودنی و مستلزم مجازات معرفی می‌کنند. هر چند رییس جمهور و یارانش در دولت‌بی‌توجه به این تندروی‌ها و تخریب‌ها تمام تلاش خود را برای حل مشکلات اقتصادی و پاسخ‌دهی به مطالبات مردم به کار می‌گیرند اما کسی نمی‌تواند انکار کند که رفتار مدیران صدا و سیما غیر قابل توجه و جناحی است. اینگونه بود که ۱۷ خرداد ماه مسعود پزشکیان یک بار دیگر نسبت به عملکرد صدا و سیما انتقاد کرد و تذکر داد که با توان‌های یکسویه، سیاستمانی‌ها و تخریب‌ها عملکرد مدیران کشور را در سال‌های نزدیک‌تر که درآید که این هشتاد‌ها و تذکار‌ها، تغییر در رویه‌های جناحی و سیاسی صدا و سیما ایجاد می‌کند، سخت در اشتباهید. مدیران صدا و سیما طی ۵ سال اخیر نشان داده‌اند که رویکردهای سیاسی و جناحی یک اقلیت تندرو برای ایجاد نفع جز تر از مطالبات مردم است. «اعتماد» عبارتیست که عملکرد صدا و سیما سراغ چهره‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب و معتدل رفته تا از آنها در باره عملکرد رسانه ملی طرح پرسش کند. هر کدام از این چهره‌ها نیز نم‌های ۱ تا ۲۰ به عملکرد صدا و سیما داده‌اند تا کارنامه‌ای برای صدا و سیما در مورد مدیریت پیمان جلیلی شکل بگیرد. مخاطبان «اعتماد» نیز می‌توانند نمره مورد نظر خود به عملکرد صدا و سیما در این دوره از طریق راه‌های ارتباطی با مادر میان‌بگذارند.

۱- بهزاد نبوی (اصلاح‌طلب): نامی توان

بهزاد نبوی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب با اشاره به عملکرد صدا و سیما در دوره مدیریت پیمان جلیلی و وحید جلیلی می‌گوید از زیبایی دقیق این سازمان نیازمند مشاهده گسترده برنامه‌های آن است، اما آنچه به‌طور کلی دیده می‌شود نشان می‌دهد: دیدگاه‌های همه جریان‌ها در رسانه ملی بازتاب پیدا نمی‌کند و تنها یک اقلیت خاص یعنی جریان پایداری از مواهب حضور در رسانه ملی بهره‌مند هستند. نبوی در پاسخ به این پرسش «اعتماد» درباره ارزیابی عملکرد صدا و سیما در دوره مدیریت پیمان جلیلی و نمره‌ای که می‌توان به این دوره، با صفت ۱۴ داد، گفت:



«اعتماد» در گفت‌وگو با ۱۰ فعال سیاسی و حقوقی عملکرد صدا و سیما در دوره اخیر را بررسی می‌کند

ضد وفاق

فعالان سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا پاسخ می‌دهند

چرا صدا و سیما در مسیر خلاف مطالبات مردم و دولت منتخب حرکت می‌کند؟

میان مدیران صدا و سیما از ابتدای انقلاب تا کنون، پایین‌ترین سطح کیفیت مدیریتی را داشته‌است. اگر قرار باشد به ایشان نمره بدهیم، نمره صفر می‌دهم و امیدوارم با پایان دوره مدیریتش، او شاهد وزش نسیم تازه‌ای در این رسانه باشیم. **۴- علی مجتهدزاده (حقوقدان): این دوران شاهد دو قطبی‌های فرازآینده در صدا و سیما بودیم**
علی مجتهدزاده، حقوق‌دان در پاسخ به این پرسش «اعتماد» که عملکرد پیمان جلیلی در این دوران ۵ ساله را چطور ارزیابی می‌کنید و چه نمره‌ای به این عملکرد میدی‌ری می‌دهید، می‌گوید: «یکی از عوامل اصلی دو قطبی‌سازی در جامعه طی این بازه زمانی صدا و سیما بوده است. وقتی تریبون در اختیار تنها یک جریان سیاسی قرار می‌گیرد و از ظرفیت‌های کشور در حوزه هنری، ورزشی، سیاسی، اقتصادی و… استفاده مناسبی نمی‌شود، طبیعی است که رسانه ملی نمی‌تواند نقش و جایگاه انسجام‌بخش خود را به دست آورد. در رسانه ملی باید به عامل وحدت‌بخش و انسجام‌آفرین بدل شده و تلاش کند، صداهای متکثر موجود در جامعه در بخش‌های مختلف را بازتاب دهد.»

مجتهدزاده در باره نمره‌ای که یک تا ۲۰ به عملکرد صدا و سیما می‌توان داد، می‌گوید: «من نمره بالایی نمی‌دهم، در ذهنم نمره‌های سده‌ی، پایتیی است. اما نمره ۴ می‌دهم، اکثریت ایرانیان و دولت منتخب‌آنها به مطالبات یک گروه جناح خاص توجه دارد. مدیران صدا و سیما چون از مسیر تخصصی و حرفه‌ای و کاری و اراد این سازمان نشده‌اند، دیدگاه حرفه‌ای و تخصصی نسبت به کار خود ندارند و رویه‌های سیاسی و جناحی، رانندگی می‌کنند.»
چشم‌چندی سخنان لطیحی این است که صدا و سیما برای حفظ عنوان «رسانه ملی» نیازمند بازنگری جدی در رویکرد خود‌است.

۲- محمدعلی ابیطیحی (مجمع روحانیون مبارز): صدا و سیما در بحران هانمره قبولی نمی‌گیرد
محمد علی ابیطیحی، عضو مجمع روحانیون مبارز در خصوص عملکرد صدا و سیما در دوره مدیریت پیمان جلیلی می‌گوید: «متأسفانه صدا و سیما بی‌توجه به مطالبات اکثریت ایرانیان و دولت منتخب‌آنها به مطالبات یک گروه جناح خاص توجه دارد. مدیران صدا و سیما چون از مسیر تخصصی و حرفه‌ای و کاری و اراد این سازمان نشده‌اند، دیدگاه حرفه‌ای و تخصصی نسبت به کار خود ندارند و رویه‌های سیاسی و جناحی، رانندگی می‌کنند.»
چشم‌چندی سخنان ابیطیحی این است که صدا و سیما برای حفظ عنوان «رسانه ملی» نیازمند بازنگری جدی در رویکرد خود‌است.

- بهزاد نبوی: یک جریان خاص اقلیت بر برنامه‌های این رسانه سيطرة دارد. در واقع دیدگاه‌های سایر گروه‌ها، احزاب و تفاهاد در رسانه‌ای که باید ملی باشد، باز تاب چندانی ندارد و بیشتر شاهد حضور و برجسته شدن ایده‌های جریان پایداری در رسانه ملی هستیم**
- محمد دهنو (رئیس‌جمهور سابق): جای جلیلی در میان مدیران صدا و سیما از ابتدای انقلاب تا کنون با پایین‌ترین سطح کیفیت مد بریتی را داشته‌است. اگر قرار باشد به ایشان نمره بدهیم، نمره صفر می‌دهم و امیدوارم با پایان دوره مدیریتش، او شاهد وزش نسیم تازه‌ای در این رسانه باشیم**
- علی مجتهدزاده: یکی از عوامل اصلی دو قطبی‌سازی در جامعه طی این بازه زمانی صدا و سیما بوده‌است. وقتی تریبون در اختیار تنها یک جریان سیاسی قرار می‌گیرد، طبیعی است که رسانه ملی نمی‌تواند نقش و جایگاه انسجام‌بخش خود را به دست آورد**
- فاطمه راگعی: رسانه ملی باز تاب‌دهنده صدای تنها یک قشر با اقلیت خاص سیاسی بوده است. از این منظر معتقدم صدا و سیما با ارفاق نمره ۱۰ را در این دوره مدیریتش کسب می‌کند**

اموعتقد است که این رسانه، خواه‌مدرم جیت‌خود را بازپایند، باید از نگاه تک‌صدایی فاصله بگیرد، به نقدها حساسیت فراطی نشان ندهد، چهره‌ها و گفتمان‌های متنوع را بپذیرد و میان نقد دولت و تخریب دولت تفاوت قائل شود. از منظر ابیطیحی صدا و سیما به هیچ عنوان نمی‌تواند نمره قبولی از مردم و کارشناسان و فعالان سیاسی بگیرد.

۳- محمد مهاجری (اصولگرا): به مدیریت جلیلی در صدا و سیما نمره صفر می‌دهم

محمد دهنو، فعال سیاسی اصولگرا در اظهاراتی درباره پایان دوره مدیریت پیمان جلیلی در صدا و سیما می‌گوید: «من هیچ مشکل شخصی باتولویبون ندارم؛ هم‌دراد یو کار کردم، هم در رسانه‌های مکتوب و هم در فضای مجازی، بنابراین از فضای رسانه بی‌اطلاع نیستم. خیلی دوست داشتم آقای جلیلی جایی حاضر می‌شد و در یک مناظره از عملکرد خود دفاع می‌کرد، اما معتقدم ایشان نه در حوزه مدیریت رسانه و نه در حوزه تولیدات موفق عمل نکرده است.» او با اشاره به وضعیت سرپال سازی در صدا و سیما اظهار می‌کند: «گر سرپال‌های تولیدشده در دوران مدیریت قبلی را با این دوره مقایسه کنیم، تفاوت کلاماً مشخص است. همچنین بسیاری از کارگرفندان مشهور، کهدر دوره‌های قبل با صدا و سیما همکاری می‌کردند، دیگر حاضر به همکاری نشدند. صدا و سیما در دوره آقای جلیلی بیش از حد درگیر فعالیت‌های سیاسی و حمایت از یک جناح خاص شده‌البته قبول دارم که بخشی از این مساله ناشی از سوءمدیریت و نداشتن سعه صدر بود و باعث شد بسیاری از چهره‌های مستقل سیاسی و فرهنگی حاضر نشوند در صدا و سیما. جلیلی حضور بی‌سابقه‌ای در مسائل چیز ی از مسوولیت مدیریتش ایشان کند نمی‌کند و به اعتقاد من، آقای جلیلی در

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵، ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۷، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۶، سال بیست‌وسوم، شماره ۶۳۴۲

۶- اسماعیل گرامی مقدم (اصلاح‌طلب): صدا و سیما به جای وفاق در حال ایجاد تفرقه است
اسماعیل گرامی مقدم، قائم مقام حزب اعتماد ملی در خصوص عملکرد صدا و سیما به «اعتماد» می‌گوید: «هن به عملکرد صدا و سیما در دوره مدیریتش آقای جلیلی نمره ۱۲ را می‌دهم. این نمره به دلیل عملکرد صدا و سیما در انتشار اخبار جنگ‌است و گرنه‌در خصوص عملکرد ایشان جامعه‌ام این نمره قبولی نمی‌گیرد.»
گرامی مقدم با انتقاد از رویه تخریب علیه دولت در صدا و سیما یادآور می‌شود: «صدا و سیما به جای وفاق و انسجام در حال ایجاد تفرقه در جامعه‌است. به‌نظرم این رویه می‌تواند تبعات زاینباری در آینده داشته باشد. صدا و سیما به مدیری معتدل و همراه با مطالبات مردم نیاز دارد.»

۷) محمد کیلی (اصلاح‌طلب): صدا و سیما به تریبون روایت سیاسی یک‌جریان تبدیل شده‌است
محمد و کیلی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با «اعتماد» ضمن ارزیابی عملکرد پیمان جلیلی در صدا و سیما می‌گوید این سازمان در دوره‌اخیر بیش از گذشته به سمت جانبداری سیاسی حرکت کرده‌وهمین مساله به‌مرجعیت رسانه ملی آسیب‌زده‌است. محمد و کیلی درباره عملکرد پیمان جلیلی و وحید جلیلی در صدا و سیما نیز در ابتدای کار آقای جلیلی، تلاش می‌شد نوعی همراهی با تغییرات تشکیلی در سازمان ایجاد شود که تا حدی هم موفقیت‌های مقطعی در این زمینه به دست آمد. اما دخایلی زود آقای جلیلی به نوعی به تنظیمات کارخانه بازگشت. به‌نظرم می‌باید حضور وحید جلیلی در صدا و سیما نیز در شکل‌گیری برخی از این مشکلات بی‌تأثیر نبوده‌است.» او در مسائل سیاسی داخلی شد و عملاتقش یک حزب وارولگرا را ایفا کرد و به‌عنوان اسپانسر رسانه‌ای یک جریان سیاسی ظاهر شده‌وهمین مساله باعث شد مردم جعیت رسانه ملی آسیب‌جدی ببینند. این روزها به‌ر شبکه‌که‌سرزنند نشانه‌ای از اعضای جبهه پایداری یا حضور افرادی چون خضریان، امیر حسین ژاّتی، نبویان و… بیادست.» و کیلی افزود: «در حالی که در شرایط جنگی مهم‌ترین خدمتی که رسانه ملی می‌توانست انجام دهد، تقویت انسجام و اتحاد ملی بود و این موضوع باید با حضور چهره‌ها و دیدگاه‌های مختلف از جریان‌های گوناگون که پشت ایران ایستاده‌اند در صدا و سیما نمود پیدا می‌کرد. در مجموع اگر بخواهیم نمره‌ای بدهیم، این‌ها با تک‌ماده نمره ۱۰ می‌گیرد.»

۸) ماز یار بالایی (اصلاح‌طلب): صدا و سیما در دوره اخیر بدترین عملکرد خود را تجربه کرد
ماز یار بالایی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی در گفت‌وگو با «اعتماد» با انتقاد شدید از عملکرد صدا و سیما در دوره مدیریت اخیر این دوره، راضیعفت‌ترین مقطع رسانه ملی توصیف کرد و گفت: «صدا و سیما نه تنها نتوانست مخاطب جدید جذب کند، بلکه بخش مهمی از مخاطبان قبلی خود را نیز از دست داد.» او با اشاره به «یه لحاظ عملکردی، این دوره هیچ‌بایدترین دوره صدا و سیما بوده است و این سازمان به تفرقه عنوان نتوانست در حوزه‌های مختلف مأموریتی برای خود مخاطب ایجاد کند. از قضا حتی بخشی عمده از مخاطبانی‌را هم که در اختیار داشت، از دست داد و این مساله در حوزه تولیدات نمایش، سریال‌ها و فیلم‌ها کاملاً مشهود است. حتی بر اساس اعتراق خود مسوولان، صدا و سیما را قبل‌تر به شبکه نمایش خانگی از آنگار کرده به جایی رقابت حرفه‌ای، تلاش کرده‌با آرازی‌هایی که در اختیار دار، شبکه‌نمایش خانگی را محدود کند. صدا و سیما در این دوره نسبت به دوره‌های قبلی به مراتب تک‌صداتر و غیرمتکثرتر عمل کرده‌و به هیچ عنوان پاسخگوی تنوع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه ایران نبوده‌است. رسانه ملی باید مسوولیت بیشتری داشته باشد و بتواند طیف گسترده‌تری از شهروندان را پوشش دهد. اما در این دوره چنین اتفاقی رخ نداد.» بالایی در پایان درباره نمره‌ای که به عملکرد این دوره مدیریتش می‌دهد، اظهار کرد: «گر قرار باشد نمره بدهم، صرفاً از این جهت که نتوانستند حقوق و دستمزد کارمندان را پرداخت کنند. نمره ۴ یا نمره صفر می‌دهم.»

۹- ایرج خدایی (اصولگرا): با تنزل سطح در رسانه ملی مواجه هستیم

نماینده‌ادوار مجلس با بیان اینکه رسانه ملی باید بازتاب‌دهنده همه‌سلاطی و موجودیت ملی باشد، گفت در سال‌های اخیر به جای از تقای سطح کیفی، شاهد تنزل در مدیریت و تولیدات جمهوری بوده‌ایم. او در بیان دیدگاهش در شرایط حساس کشور آسیب‌زا باشد. ایرج خدایی گفت: «رسانه ملی باید چند شاخص ممکن است. اولاً باید بپذیریم که این رسانه ملی است و معنای ملی بودن این است که همه افکار، سلاطی و ظرفیت‌های موجود در کشور استفاده‌شود و متعلق به حزب، جریان یا گروه خاصی نباشد؛ چه در سطح مدیریت و چه در سطح تولیدات.» او افزود: «در این‌ها ما ملت ایران روبه‌رو هستیم و ملت باید در صدا و سیما جمهوری اسلامی نمود داشته‌باشد. نمره سوم، مقایسه با گذشته‌است؛ باید ببینیم عملکرد فعلی نسبت به‌ادوار قبلی چگونه بوده‌و همچنین آن را با اقتضائات زمانه بسنجیم. با توجه به شرایط موجود، احساس می‌کنم به جای افزایش سطح کیفی، با تنزل سطح مواجه هستیم؛ تنزلی که در تکراری بودن برخی چهره‌ها، مجری‌های فاقد خلاقیت و نوآوری و همچنین تولیداتی که به‌فرا‌ی‌دای سیاسی در ادامه با نقد عملکرد صدا و سیما در حوزه‌های اجتماعی مردم باشند. در بخش چهارم یعنی بحث احزاب و تشکل‌های سیاسی نیز صدایسما در این دوره ۵ ساله موفقیت چندانی نداشته‌است؛ چرا که نتوانست جایگاه و سهم احزاب را افزایش دهد و زمینه توسعه کارهای حزبی و مدنی را فراهم سازد. صدا و سیما در حوزه مسائل اقتصادی تقریباً عملکرد خوبی داشته‌و در زمینه‌هایی مثل بازخواست کردن و انتقال مطالبات مردم، نمره قبولی می‌گیرد. هر چند به دلیل برخی مناسبات و ملاحظات خاص، بخشی از واقعیت‌ها و مطالبات اقتصادی مردم بازتاب پیدا نکرده‌است. اگر برای هر کدام از این بخش، ۱۰ نمره در نظر بگیریم، صدا و سیما باقی‌نمره ۱۰ را در این دوره مدیریتش کسب می‌کند.»

کفت‌وگو

حادثه‌روشنی

در حالی که نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تا روز سه‌شنبه در وین ادامه داشت، منجر به آن شد که پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر در نقطه‌ای حساس قرار گیرد؛ نقطه‌ای که همزمان با تشدید تنش‌های منطقه‌ای، تداوم پیام‌های متناقض میان تهران، واشنگتن و تل‌آویو و نیز زمزمه‌های تدوین یک قطعنامه جدید علیه ایران در نشست فصلی شورای حکام بالا گرفته است. در همین رابطه نمایندگان ایران در وین در آستانه این نشست با توصیف وضعیت کنونی همکاری تهران و آژانس به عنوان «بی‌سابقه»، حملات اخیر امریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران را عامل اصلی شرایط فعلی دانست و هشدار داد که شورای حکام نباید به ابزار برای نادیده گرفتن مسوولیت عاملان این حملات تبدیل شود. همزمان، رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از کاهش توان نهاد پادمانی بر پرنامه هسته‌ای ایران سخن گفت و بار دیگر تهاوار خروج از بن‌بست موجود را دستیابی به یک توافق دیپلماتیک پایدار و قابل راستی آزمایی دانست. با این همه این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که گزارش‌های رسانه‌ای از تعدیل پیش‌نویس قطعنامه مورد حمایت امریکا و تبدیل آن به سندی مشترک میان واشنگتن و سه کشور اروپایی حکایت دارد؛ اقدامی که می‌تواند نشانه‌ای از تلاش غرب برای حفظ فشار سیاسی بر ایران، بدون ورود فوری به مسیر پرهزینه‌ای را جاع پرونده به شورای امنیت باشد. در سوی دیگر، دونالد ترامپ نیز از احتمال دستیابی به توافقی با ایران در روزهای آینده سخن گفته و تأکید کرد که دولت باید به دنبال دستیابی به توافق فشرده اقتصادی در جای روبرویی نظامی است. از این رو برخی ناظران مدعی اند مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر در میانه یک دوگانگی پیچیده قرار گرفته است؛ از یک سو شورای حکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حال بررسی آینده همکاری‌های فنی و پادمانی هستند و از سوی دیگر، تحولات میدانی از لبنان تا تنگه هرمز و شکاف ظاهری میان رویکردهای ترامپ و بن‌یامین نتانیاهو، معادلات سیاسی پیرامون مذاکرات را دگرگون کرده است. لذا به باور این گروه از تحلیلگران، نشست کنونی شورای حکام صرفاً یک نشست فنی نیست؛ بلکه می‌تواند به آزمونی برای سنجش امکان بازگشت دیپلماتیک با آغاز مرحله تازه از تقابل سیاسی بر سر برنامه هسته‌ای ایران تبدیل شود. در همین رابطه روزنامه اعتماد با هدف ارزیابی و تحلیل گزاره‌های همزمان در رابطه با معادلات مذاکراتی میان تهران و واشنگتن طی روزهای اخیر با ابوالقاسم دلفی، سفیر اسبق ایران در پاریس گفت‌وگو کرده است. مشروح این گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

ابوالقاسم دلفی، سفیر اسبق ایران در فرانسه در پاسخ به پرسش «اعتماد» در رابطه با ارزیابی‌اش از نتایج احتمالی نشست فصلی شورای حکام در روز سه‌شنبه گفت: در رابطه با پاسخ به این سوال ابتدا باید متغیرهایی در رابطه با معادلات اخیر مذاکرات ایران و امریکا را مورد ارزیابی قرار دهیم. به هر حال، مذاکرات و آنچه برای رسیدن به یک تفاهنامه میان دو طرف مطرح است، یک بخش ماجراست. امریکایی‌ها مدام از نزدیک بودن توافق سخن می‌گویند و ترامپ نیز مانند همیشه تلاش می‌کند این تصویر را ارائه دهد که توافق در دسترس است و بزودی حاصل خواهد شد. اما واقعیت این است که مذاکرات همچنان از طریق مجاری مختلف در جریان است و امریکایی‌ها نیز اشتیاق زیادی برای به نتیجه رساندن آن دارند. در این میان، شخص ترامپ بیش از دیگران این تمایل را آشکار نشان می‌دهد. به گفته دلفی تجربه دوره گذشته نیز نشان داد که ترامپ بیش از همه نگران نقض آتش‌بس و بازگشت شرایط به سمت جنگ است. آتش‌بس نقض شد، ما حمله کردیم، اسرائیلی‌ها نیز پاسخ دادند و شرایط به سرعت متشنج شد، اما در ظاهر امر این گونه به نظر می‌رسد که در نهایت امریکایی‌ها تلاش زیادی کردند تا درگیری‌ها متوقف شود و طرف‌ها از ورود مجدد به جنگ اجتناب کنند. البته اینکه این وضعیت تا چه اندازه می‌تواند پایدار بماند، موضوع دیگری است. این دیپلمات پیشین کشورمان در ادامه «اعتماد» گفت: به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها تمایل چندانی به تداوم این وضعیت نداشته باشند. آنها در پرونده لبنان همواره ابزارها و بهانه‌های لازم را در اختیار دارند تا شرایط را برهم بزنند؛ از جمله اینکه مدعی شوند حزب‌الله آتش‌بس را نقض کرده یا اقدام خاصی انجام داده است و بر همین اساس دوباره تنش‌ها را سر بگیرند. با این حال، به نظر می‌رسد امریکایی‌ها فعلاً فشار لازم را وارد کرده‌اند تا دست کم در لبنان فضا تا حدودی آرام بماند و شرایط به نقطه مورد نظر آنها برسد. دلفی در ادامه این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: از سوی دیگر، تنها دو روز تا آغاز مسابقات جام جهانی باقی مانده است و اگر قرار باشد روندهای بین‌المللی به شکل طبیعی خود پیش برود، دشوار است که چنین رویداد بزرگی در شرایطی برگزار شود که منطقه درگیر جنگ و بی‌ثباتی باشد. از این رو، امریکایی‌ها تلاش می‌کنند مانع از وقوع تحولات تنش‌زا شوند، اما این بدان معنا نیست که از پیگیری اهداف خود در مذاکرات صرف‌نظر کرده‌اند، چرا که مطالبات اصلی امریکا همچنان همان موضوعاتی است که پیش‌تر نیز مطرح بوده؛ به ویژه مسئله هسته‌ای و موضوع غنی‌سازی. این دیپلمات اسبق کشورمان در ادامه توضیح کرد:



«اعتماد» در گفت‌وگو با ابوالقاسم دلفی بررسی می‌کند

شطرنج واشنگتن در وین

مقابل، مطالبات ایران متفاوت است. البته این بدان معنا نیست که امریکایی‌ها لزوماً اصرار دارند ابتدا به همه خواسته‌های خود برسند و سپس درباره سایر موضوعات گفت‌وگو کنند. آنها نشان داده‌اند که می‌توانند در این زمینه انعطاف و بازی سیاسی داشته باشند و برخی موضوعات را به مراحل بعدی موکول کنند. اما آنچه اکنون برای ایران در اولویت قرار دارد، تثبیت آتش‌بس و جلوگیری از آغاز مجدد جنگ است؛ چه در لبنان و چه در ارتباط با ایران. موضوع دوم، رفع محاصره دریایی و بازگشت شرایط تردد کشتی‌ها به وضعیت عادی، به ویژه در تنگه هرمز، است. هدف این است که رفت‌وآمد دریایی به شرایط پیش از درگیری‌ها بازگردد، بنابراین به نظر می‌رسد اگر این موارد در یک بازه زمانی یک یا دو ماهه محقق شود، آن‌گاه می‌توان درباره سایر موضوعات نیز وارد گفت‌وگو شد و آنها را در چارچوب مذاکرات حل و فصل کرد. دلفی در ادامه و در رابطه با دیگر مطالبه ایران در رابطه با آزادسازی اموال بلوکه شده به «اعتماد» گفت: طی دو تا سه روز اخیر، موضوع داری‌های بلوکه شده ایران بیش از گذشته در اولویت قرار گرفته است. این موضوع از ابتدای یکی از محورهای مذاکرات بود، اما اکنون اهمیت بیشتری پیدا کرده است. وزارت امور خارجه کشورمان نیز اعلام کرده که پیش از هر گونه امضای نهایی، نخستین گام عملی باید آزادسازی بخشی از داری‌های ایران باشد. آنچه تاکنون مطرح شده، آزادسازی دست کم ۵۰ درصد از داری‌ها در همان مراحل ابتدایی اجرای توافق است. البته هنوز

طبیعی است که این موضوع مجدداً بر جسته شود. دلفی در ادامه گفت‌وگوی خود با «اعتماد» خاطر نشان کرد: به اعتقاد من، افزایش فشارهای سیاسی و رسانه‌ای پیرامون پرونده هسته‌ای ایران به این دلیل است که امریکایی‌ها تلاش می‌کنند در مذاکرات حداکثر امتیازات ممکن را به دست آورند. اگر در مرحله نخست مذاکرات نتوانند در موضوعات مورد نظر خود به نتیجه برسند، تلاش خواهند کرد از ابزارهای دیگر برای افزایش فشار استفاده کنند. لذا در همین چارچوب، بحث قطعنامه شورای حکام نیز مطرح شده است. اینکه این قطعنامه تصویب شود یا نه، به میزان آرای موافق کشورهای عضو بستگی دارد. البته به باور من و آنچه به عدم وجود حق و تو، تصویب خواهد شد. با این حال، این ابزار برای امریکایی‌ها یک وضعیت دوگانه ایجاد کرده است. از یک سو، می‌خواهند از طریق شورای حکام فشار سیاسی بر ایران را افزایش دهند. اما از سوی دیگر، اگر این فشار بیش از حد افزایش پیدا کند، ممکن است ایران نیز در میز مذاکرات واکنش نشان دهد و روند گفت‌وگوها تحت تأثیر قرار گیرد. این دیپلمات اسبق کشورمان در پاریس در ادامه به «اعتماد» گفت: موضوع ایران نیز روشن است. مراکز که امروز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به آنها ابراز نگرانی می‌کند، همان مراکز هستند که در جریان دو جنگ هدف حمله قرار گرفتند و طبعاً شرایط آنها با قبل متفاوت است. در نتیجه، محدودیت‌های موجود در دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ناشی از همین وضعیت است. به گفته دلفی نکته مهم این است که پیش از آغاز جنگ، میان آقای عراقچی و آقای گروسی در قاهره تفاهمی صورت گرفته بود و بر اساس آن، چارچوب جدیدی برای همکاری‌ها و بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تدوین شد. قرار بود کارشناسان نهاد پادمانی در قالب سازوکارهای جدید به برخی مراکز دسترسی پیدا کنند، اما وقوع جنگ باعث شد اجرای آن متوقف شود. با این حال، از اظهارات آقای عراقچی چنین برمی‌آید که همچنان امکان احیای همان تفاهم قاهره وجود دارد. به همین دلیل معتقدم امریکایی‌ها همزمان از دو مسیر حرکت می‌کنند؛ از یک طرف، از طریق شورای حکام و بحث قطعنامه فشار سیاسی وارد می‌کنند و از طرف دیگر، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از طریق ارایه راهکارهای فنی و تأکید بر امکان ادامه همکاری‌ها، مسیر دیپلماتیک را بساز نگه می‌دارد. در واقع، همزمان هم فشار وجود دارد و هم پیشنهاد راه‌حل. به گفته این تحلیلگر از شد مسائل بین‌الملل بنابراین در نهایت، هر توافقی که میان ایران و امریکا حاصل شود، چه به صورت مرحله‌ای و چه در قالب یک توافق جامع، در بخش هسته‌ای نیازمند نقش آفرینی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود. به همین دلیل نیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از هم‌اکنون در مرکز این معادله قرار گرفته است. البته پیش از جنگ نیز امریکایی‌ها پیشنهاد دیگری مطرح می‌کردند و حتی در مقطعی مدعی بودند که کارشناسان امریکایی به‌طور مستقیم در برخی فرآیندهای نظارتی مشارکت داشته باشند. این موضوع مدتی مطرح بود، اما در حال حاضر به نظر می‌رسد در نهایت به نتیجه نرسید و کنار گذاشته شد. لذا مجموعه این تحولات مستقیماً به بدبستان‌های مذاکراتی مرتبط است؛ اینکه هر طرف چه امتیازی بدهد و چه امتیازی دریافت کند. به نظر می‌رسد ترامپ همچنان تمایل دارد پیش از آغاز رقابت‌های جام جهانی، توافقی هر چند اولیه به نتیجه برسد. اینکه این هدف تا چه اندازه محقق شود، بستگی به میزان تأثیرگذاری همزمان فشارهای سیاسی و روند مذاکرات دارد. دلفی در پاسخ به دیگر پرسش «اعتماد» در رابطه با چرایی آغاز دوباره تبادل آتش میان تهران و تل‌آویو در میانه مذاکرات دستیابی به توافق میان ایران و ایالات متحده برنامه هسته‌ای ایران را به دهد، بخشی از این تحركات را می‌توان در چارچوب فعالیتهای شخصی و سیاسی او نیز ارزیابی کرد؛ زیرا این فضا امکان حضور و دیده شدن بیشتر را برای او فراهم می‌کند. اما از سوی دیگر، مثل همه ساله ایران نیز به‌طور جدی در دستور کار امریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد و



شورای حکام در مقطع کنونی به مهم‌ترین اهرم فشار سیاسی امریکایی بر ایران در کنار مسیر مذاکرات تبدیل شده؛ هر چند تشدید پیش از حد این فشارها می‌تواند روند گفت‌وگوها را با اختلال مواجه کند، از همین رو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همزمان که از طریق شورای حکام فشار سیاسی را افزایش می‌دهد، با حفظ مسیرهای فنی و امکان احیای تفاهمات پیشین، راه دیپلماتیک را نیز باز نگه داشته است. در نتیجه، هر گونه توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن، ناگزیر با نقض آفرینی نهاد پادمانی و مدیریت همزمان فشار و مذاکره گره خورده است.

مواقت رسمی طرف مقابل با این موضوع اعلام نشده، اما این مساله به یکی از مطالبات اصلی ایران تبدیل شده است. به گفته این تحلیلگر از شد مسائل سیاست خارجی اگر قرار باشد مذاکرات به نتیجه برسد، طبیعتاً طرف‌های مقابل باید فشارهای خود را به شکلی مدیریت کنند که موجب فروپاشی فضای موجود نشود. به همین دلیل نیز تلاش می‌کنند سطح فشارها را به سمتی نرود که در میدان به عنوان مقدمه‌ای برای نقض آتش‌بس یا آغاز دوباره درگیری‌ها تلقی شود. در مقطع فعلی، ترجیح آنها این است که فشارها را از مسیرهای سیاسی و دیپلماتیک دنبال کنند. به گفته دلفی بنابراین در این میان، نخستین عرصه‌ای که می‌تواند بسر روند مذاکرات تأثیر بگذارد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز مجاری شورای حکام است، به همین دلیل نیز طی هفته‌های اخیر شاهد فعال‌تر شدن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده‌ایم. رافائل گروسی بار دیگر وارد فضای رسانه‌ای شده، مصاحبه می‌کند و بر این موضوع تأکید دارد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به برخی مراکز دسترسی ندارد و بدون دسترسی نمی‌تواند ارزیابی دقیقی از وضعیت برنامه هسته‌ای ایران را به دهد. بخشی از این تحركات را می‌توان در چارچوب فعالیتهای شخصی و سیاسی او نیز ارزیابی کرد؛ زیرا این فضا امکان حضور و دیده شدن بیشتر را برای او فراهم می‌کند. اما از سوی دیگر، مثل همه ساله ایران نیز به‌طور جدی در دستور کار امریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد و

رقابت قدرت‌ها و پیشینه تاریخی کنترل مسیرهای دریایی - برای درک اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز باید به پیشینه تاریخی رقابت قدرت‌ها برای کنترل مسیرهای دریایی نیز توجه کرد. از اوایل قرن شانزدهم میلادی، با گسترش حضور قدرت‌های اروپایی در اقیانوس هند، کنترل گلوگاه‌های دریایی به یکی از ابزارهای اصلی سلطه بر تجارت جهانی تبدیل شد. برتغال نخستین قدرت اروپایی بود که تلاش کرد با استقرار نظامی در دهانه خلیج فارس و کنترل تنگه هرمز، جریان تجارت میان شرق و غرب را تحت نظارت خود قرار دهد. این اقدام بخشی از راهبرد گسترده‌تری بود که هدف آن ایجاد انحصار تجاری در مسیرهای دریایی و کسب سود از تجارت میان آسیا و اروپا بود. پس از افول قدرت پرتغال، هلند و سپس بریتانیا به تدریج جای آن را در رقابت برای تسلط بر مسیرهای دریایی خلیج فارس گرفتند. در این دوره، کنترل یا نفوذ بر تنگه هرمز برای قدرت‌های اروپایی صرفاً یک هدف جغرافیایی نبود، بلکه ابزاری برای مدیریت جریان تجارت و تثبیت برتری سیاسی و اقتصادی در منطقه محسوب می‌شد. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بریتانیا توانست با اتکا به برتری دریایی خود نفوذ گسترده‌ای در خلیج فارس برقرار کند. این نفوذ با ایجاد شبکه‌ای از توافقات سیاسی و ترتیبات امنیتی با دولت‌های محلی همراه بود. هدف از این سیاست‌ها تضمین امنیت مسیرهای تجاری امپراتوری بریتانیا و حفظ کنترل غیرمستقیم بر مسیرهای دریایی منطقه بود. پس از جنگ جهانی دوم و با افول تدریجی قدرت بریتانیا، این نقش به تدریج به ایالات متحده منتقل شد. خروج بریتانیا از شرق سوئز در دهه ۱۹۷۰ میلادی زمینه‌ساز افزایش حضور امریکادر منطقه شد. از آن زمان به بعد، حضور ناوگان‌های دریایی ایالات متحده در خلیج فارس به یکی از عناصر ثابت معادلات امنیتی منطقه قرار گرفت. لذا علت این مساله نیز روشن است. اسرائیل نمی‌خواهد ایران و امریکا به تفاهمی در منطقه دست پیدا کنند که در نهایت به کاهش حضور نظامی امریکا منجر شود. یکی از مطالبات اصلی ایران رفع محاصره و بازگشت شرایط عادی در حوزه دریایی و امنیتی منطقه است و از نگاه تهران، این مساله با کاهش حضور نظامی امریکادر خلیج فارس و آب‌های پیرامونی از تباط مستقیم دارد. به همین دلیل، اسرائیل همچنان یکی از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری هر گونه تفاهم پایدار میان تهران و واشنگتن به شمار می‌رود و باید این عامل را در تحلیل تحولات آینده به طور جدی مدنظر قرار داد. از طرفی به نظر می‌رسد ترامپ به‌شدت به دنبال دستیابی به توافقی با ایران است که طی آن روزی آینده است و پایان زودهنگام درگیری‌های بیست‌وچهار ساعته میان ایران و اسرائیل نیز به این عامل بازمی‌گردد.

در حالی که نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تا روز سه‌شنبه در وین ادامه داشت، منجر به آن شد که پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر در نقطه‌ای حساس قرار گیرد؛ نقطه‌ای که همزمان با تشدید تنش‌های منطقه‌ای، تداوم پیام‌های متناقض میان تهران، واشنگتن و تل‌آویو و نیز زمزمه‌های تدوین یک قطعنامه جدید علیه ایران در نشست فصلی شورای حکام بالا گرفته است. در همین رابطه نمایندگان ایران در وین در آستانه این نشست با توصیف وضعیت کنونی همکاری تهران و آژانس به عنوان «بی‌سابقه»، حملات اخیر امریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران را عامل اصلی شرایط فعلی دانست و هشدار داد که شورای حکام نباید به ابزار برای نادیده گرفتن مسوولیت عاملان این حملات تبدیل شود. همزمان، رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از کاهش توان نهاد پادمانی بر پرنامه هسته‌ای ایران سخن گفت و بار دیگر تهاوار خروج از بن‌بست موجود را دستیابی به یک توافق دیپلماتیک پایدار و قابل راستی آزمایی دانست. با این همه این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که گزارش‌های رسانه‌ای از تعدیل پیش‌نویس قطعنامه مورد حمایت امریکا و تبدیل آن به سندی مشترک میان واشنگتن و سه کشور اروپایی حکایت دارد؛ اقدامی که می‌تواند نشانه‌ای از تلاش غرب برای حفظ فشار سیاسی بر ایران، بدون ورود فوری به مسیر پرهزینه‌ای را جاع پرونده به شورای امنیت باشد. در سوی دیگر، دونالد ترامپ نیز از احتمال دستیابی به توافقی با ایران در روزهای آینده سخن گفته و تأکید کرد که دولت باید به دنبال دستیابی به توافق فشرده اقتصادی در جای روبرویی نظامی است. از این رو برخی ناظران مدعی اند مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر در میانه یک دوگانگی پیچیده قرار گرفته است؛ از یک سو شورای حکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حال بررسی آینده همکاری‌های فنی و پادمانی هستند و از سوی دیگر، تحولات میدانی از لبنان تا تنگه هرمز و شکاف ظاهری میان رویکردهای ترامپ و بن‌یامین نتانیاهو، معادلات سیاسی پیرامون مذاکرات را دگرگون کرده است. لذا به باور این گروه از تحلیلگران، نشست کنونی شورای حکام صرفاً یک نشست فنی نیست؛ بلکه می‌تواند به آزمونی برای سنجش امکان بازگشت دیپلماتیک با آغاز مرحله تازه از تقابل سیاسی بر سر برنامه هسته‌ای ایران تبدیل شود. در همین رابطه روزنامه اعتماد با هدف ارزیابی و تحلیل گزاره‌های همزمان در رابطه با معادلات مذاکراتی میان تهران و واشنگتن طی روزهای اخیر با ابوالقاسم دلفی، سفیر اسبق ایران در پاریس گفت‌وگو کرده است. مشروح این گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

تنگه هرمز؛ گلوگاه انرژی جهان

در یک گذرگاه جغرافیایی نسبتاً محدود، برخی کشورهای تولیدکننده در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند مسیرهای جایگزینی برای صادرات نفت و گاز ایجاد کنند. هدف از این اقدامات کاهش وابستگی به تنگه هرمز و محدود کردن ریسک‌های احتمالی در صورت بروز تنش در این منطقه بوده است. برای نمونه، عربستان سعودی با توسعه خطوط لوله‌ای که نفت را از شرق این کشور به سواحل دریای سرخ منتقل می‌کند، امکان صادرات بخشی از نفت خود را بدون عبور از خلیج فارس فراهم کرده است. امارات متحده عربی نیز خط لوله‌ای ایجاد کرده که نفت را به بندر فجیره در ساحل دریای عمان منتقل می‌کند؛ بندری که خارج از تنگه هرمز قرار دارد. اما با وجود این تلاش‌ها، ظرفیت این مسیرهای جایگزین در مقایسه با حجم عظیم صادرات انرژی منطقه همچنان محدود است و بخش بزرگی از نفت تولیدی کشورهای خلیج فارس همچنان از بندری صادر می‌شود که مسیر طبیعی آنها عبور از تنگه هرمز است. در مورد گاز طبیعی مایع نیز محدودیت‌ها حتی بیشتر است. صادرات LNG عمدتاً از طریق کشتی‌های مخصوص انجام می‌شود و در حال حاضر بخش عمده گاز صادراتی قطر ناگزیر باید از این تنگه عبور کند. از این رو، جایگزینی کامل این گذرگاه در آینده نزدیک بسیار دشوار به نظر می‌رسد. تحولات بلندمدت در نظام انرژی جهان شامل گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر، تلاش برای کاهش انتشار کربن و تغییر الگوهای مصرف انرژی ممکن است در بلندمدت تقاضای برای سوخت‌های تدریجی و ناهمگون در مناطق مختلف جهان رخ خواهد داد و بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه همچنان برای رشد صنعتی و توسعه زیرساخت‌های خود به نفت و گاز وابسته خواهند بود. همزمان مرکز نقل تقاضای جهانی انرژی به تدریج به سمت آسیا در حال حرکت است. اقتصادهایی مانند چین و هند در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان هستند که بخش قابل توجهی از نیاز خود را از تولیدکنندگان خاورمیانه تأمین می‌کنند. در چنین شرایطی، مسیرهای انتقال انرژی میان خلیج فارس و آسیا همچنان اهمیت زیادی خواهند داشت و تنگه هرمز در قلب این شبکه قرار خواهد داشت. از این منظر، اهمیت پایدار تنگه هرمز ناشی از ترکیب سه عامل اساسی است: تمرکز عظیم منابع انرژی در پیرامون آن، وابستگی اقتصادهای بزرگ جهان به صادرات خلیج فارس و محدود بودن مسیرهای جایگزین برای انتقال این منابع. تا زمانی که این عوامل پابرجا باشند، این گذرگاه باریک همچنان یکی از حساس‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان باقی خواهد ماند؛ جایی که جغرافیا، اقتصاد انرژی و رقابت قدرت‌ها به یکدیگر گره می‌خورند و ثبات آن برای تداوم جریان انرژی در اقتصاد جهانی اهمیتی حیاتی دارد.

جشنواره قرعه‌کشی حساب‌های

قرض الحسنه پس‌انداز بانک رفاه کارگران

با مهربانی‌هایتان، دل‌هایی گرم و امیدهایی زنده می‌شوند

۱/۰۶۶

جایزه ویژه نقدی هر یک به ارزش **۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال**

۱/۰۶۶

کمک‌هزینه خرید خودرو ساخت داخل هر یک به ارزش **۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال**

۱/۰۶۶

کمک هزینه خرید لوازم خانگی تولید داخل هر یک به ارزش **۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال**

و هزاران جایزه نقدی دیگر

شرایط شرکت در قرعه‌کشی

- حفظ حداقل موجودی ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال طی ۳ ماه یا ۹۰ روز متوالی از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ تا پایان ۱۴۰۵/۰۶/۲۷
- مفتوح بودن حساب و داشتن حداقل موجودی (۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال) در روز برگزاری قرعه‌کشی
- دارا بودن کد شهاب

آخرین مهلت افتتاح حساب یا تکمیل موجودی ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

مرکز پاسخگویی (فردا): ۰۲۱-۸۵۲۵۲۱

refah-bank.ir

بانک رفاه کارگران

REFAH KARGARAN BANK

روابط عمومی بانک رفاه کارگران

bankrefahkargaran

«اعتماد» از مواجهه صدوسیما با مسائل روز گزارش می دهد

سیمایی بی شباهت به ایران

مسعود پزشکیان در روزهای اخیر چندین بار از صدوسیما انتقاد کرد و فرم رفتار این رسانه با دولت را نیازمند اصلاح خواند.

«اعتماد» به بررسی فرم روابط این سازمان با دولت چهاردهم پرداخته است.

سیمای پروانه گهر

وقتی در ایام انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم مسعود پزشکیان به عنوان کاندیدای انتخاباتی از رفتار و رویه مجری صدوسیما در یکی از میزگردها انتقاد کرد، مشخص بود که هم صدوسیما سر ناسازگاری با پزشکیان دارد و هم پزشکیان تصمیم ندارد تا در قبال رفتار رسانه‌ای که باید مدلی رفتار کند، سکوت کند.

در روزهای اخیر چندین انتقاد صریح پزشکیان از صدوسیما و وضعیت این روابط را بیش از پیش روشن کرد؛ در جمع مدیران صدوسیما و اما وقتی صدوسیما و برخی فعالان تلویزیون انتقاد کرد، چند روز بعد در شبکه اجتماعی ایکس و بالحنی گلایه‌آمیز خطاب به صدوسیما نوشت: همکاران مادر دولت همواره مراقب بوده‌اند آرامش روانی جامعه مورد تهدید قرار نگیرد و تاکید من بر حفظ وحدت رسانه‌ای در شرایط جنگی لبه‌نقدهای غیرمنصفانه را به سمت دولت بگیرد، من مجبور خواهم بود پاسخ در خور بدهیم. این به صلاح کشور نیست.

این دو مطلب نیز در جلسه‌ای در وزارت علوم و ریاست‌های صدوسیما و شرایط کشور را غیر واقعی خواند و در جلسه شورای هماهنگی اقتصادی دولت از آرایه تحلیل‌های غیر واقعی در تلویزیون به مردم انتقاد کرد.

استان صدوسیما و دولت‌های غیر اصولگرا البته قصبه امروز و دیروز نیست صدوسیما در سال‌های پایانی دهه ۷۰ و سال‌های نخست دهه ۸۰ هم بیشتر از تلویزیون دولتی، تلویزیون غیر دولتی منتقد دولت مستقر بود و در دولت‌های یازدهم و دوازدهم یکی از سنگ‌ریزهای نقد به حسن روحانی و دولتش محسوب می شد. این سیاست دسته به به فرمان حالا در مورد دولت پزشکیان نیز ادامه دارد و البته ریشه‌های جدیدی نیز در این بین باید مورد توجه قرار بگیرد.

پزشکیان و صدوسیما چالش‌های ساختاری و گفتمانی

با روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان فضای رسانه‌ای کشور وارد مرحله جدیدی از کش و واکش‌ها شد. رابطه دولت‌ها و سازمان صدوسیما که در سال‌های اخیر همواره فراز و نشیب‌های خاص خود را داشت، اکنون به در نقطه‌اعطفی قرار گرفته؛ جایی که «وقایع ملی» به عنوان شعار اصلی دولت، با ساختار محافظه‌کار رسانه ملی مواجه شده است. اولین و شاید بنیادی‌ترین نکته در واگذاری رابطه میان دولت مسعود پزشکیان و سازمان صدوسیما، نه در کش‌های مقطعی و اختلاف نظر در باره شیوه حکمرانی، از موضوعات سیاست داخلی همچون حجاب و ارزش‌ترجیحی تارو ریشه‌های کلان سیاست خارجی از جمله مذاکره با غرب یا شیوه حضور در جنگ - بلکه در تفاوت‌های عمیق «پایگاه گفتمانی» و «ماموریت‌های سازمانی» این دو نهاد ریشه دارد.

دولت پزشکیان تا بکیه بر شعارهای نظیر «وقایع ملی»، «اصلاحات اقتصادی معطوف به معیشت مردم»، «پهبود روابط بین‌الملل» و «کاهش شکاف‌های اجتماعی» روی کار آمده است. این گفتمان بر محوریت عمل‌گرایی، خروجی‌محوری و دیپلماسی متواضع داخلی در و تلاش می‌کند تا از قطبی‌سازی‌های اجتماعی پرهیز کند.

در نقطه مقابل، سازمان صدوسیما به عنوان یک نهاد حاکمیتی و «رسانه ملی» دارای یک لایه ظاهر و پنهان است؛ در شعار و ویتیزن صدوسیما سیاست‌های کلان نظام مورد توجه است و این سازمان می‌گوید که گفتمان رسمی سیاست‌های کلان نظام است. در پس پرده اما مشخص‌ترین سیاست‌ها در حال پیگیری دیده‌گاه‌ها و افکار یک حلقه سیاسی است. در ادبیات رسمی صدوسیما می‌گوید که ماموریت اصلی این سازمان، حفظ و ترویج ارزش‌های انقلابی، دفاع از امنیت ملی از منظری خاص و بازنامه‌ی رویدادها در چارچوب تفکر حاکم است. این نهاد اغلب بر مفاهیمی چون «استکبارستیزی»، «خودکفایی اقتصادی بدون وابستگی خارجی»، «حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی سنتی» و «بهاره‌زبان‌نویسی» تاکید می‌کند.

باین‌وجود هیچ‌راه‌حل مشخصی برای تحقق این شعارها نداشته و ندارد. این همان چالش اصلی رویکرد فکری و سیاسی جریان سعید جلیلی و جبهه‌ی پایداری است که حالا سازمان صدوسیما را نیز در اختیار سیاسی خود دارد. این تفاوت گفتمانی، به‌طور طبیعی به «تفاوت در اولویت‌ها و رویکردهای تحلیلی» منجر می‌شود. برای مثال، در حالی که دولت پزشکیان ممکن است جذب سرمایه خارجی توسعه روابط دیپلماتیک با غرب را به عنوان راهکاری برای برنرفست از بحران اقتصادی ببیند، صدوسیما ممکن است این رویکرد را «فوق‌دولت‌سازی» یا «عدم تلاش برای استقلال از دشمن» بازنامه‌ی کند. به همین ترتیب، طرح‌های دولت برای آزادسازی برخی فعالیت‌های فرهنگی با گسترش آزادی‌های اجتماعی می‌تواند سوی صدوسیما با برچسب «کم‌رنگ‌سازی ارزش‌ها» یا «واج ابتلال» مواجه شود.

دولت اینترنت گرا سازمان سنت گرا

در طول عمر فعالیت دولت پزشکیان، دولت تلاش می‌کند تا با تکیه بر «بازارهای نوین ارتباطی» نظیر شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌های رسمی، بیانیه‌ها و ارتباط مستقیم با افکار عمومی، پیام «تغییر، آرامش و امید» را به جامعه مخابره کند. صدوسیما همچنان بر «الگوهای سنتی نقد» تاکید دارد. این الگوها غالباً شامل میزگردهای سیاسی با حضور کارشناسی از طیف خاص، گزارش‌های خبری یک طرفه یا ناقص و دست‌نهادی یا رویکرد انتقادی از وضعیت موجود است که اغلب به عملکرد دولت‌های

معتدل تر نسبت داده می‌شوند. این رویکرد در برنامه‌هایی نظیر میزگردهای سیاسی یا گزارش‌های ویژه خبری که به‌شدت «یک‌طرفه» و «جهت‌دار» به مسائل می‌پردازند، مشهود است. صدوسیما در این برنامه‌ها ممکن است به جای تبیین جامع و بی‌طرفانه ابعاد یک سیاست، بر جنبه‌های منفی یا پیامدهای احتمالی آن (که ممکن است بزرگ‌نمایی شده باشد) تمرکز کند. به‌ویژه، «نقد سیاست‌های اقتصادی دولت» در حوزه‌هایی نظیر نرخ ارز، قیمت‌گذاری انرژی، تورم، کسری بودجه یا برنامه‌های مربوط به خصوصی‌سازی، با شدت و تفصیل بیشتری نسبت به دوره‌های پیشین (مانند دولت‌های همدس) مطرح خواهد شد. این نقدها اغلب با هدف تضعیف «اعتماد عمومی» به تیم اقتصادی دولت و القای «ناکارآمدی» یا «عدم کفایت» آنان صورت می‌گیرد.

اگر دولت پزشکیان مجبور به اتخاذ تصمیمات دشوار اقتصادی مانند تعدیل قیمت حامل‌های انرژی یا اجرای سیاست‌های انقباضی برای کنترل تورم شود، صدوسیما این اقدامات را نه در بستر یک تحلیل اقتصادی پیچیده، بلکه غالباً با برجسته‌سازی فشار بر اقشار آسیب‌پذیر و با آرایه راهکارهایی جایگزین (که عمدتاً با گفتمان خود سازمان همسو هستند) بازتاب خواهد داد. این نوع نقد، نه تنها به صورت مستقیم متوجه سیاست‌های دولت است، بلکه به صورت غیرمستقیم، پایگاه اجتماعی و سیاسی دولت را نیز هدف قرار می‌دهد و به «شدید شکاف‌ها» در جامعه دامن می‌زند. در حالی که یکی از اهداف اصلی دولت پزشکیان، کاهش همین شکاف‌هاست.

به عبارت دیگر، در این چالش گفتمانی، صدوسیما خود را نماینده صدای مردم - مشخص نیست چند درصد از مردم - در برابر «تصمیمات نخبگان» (دولت) معرفی می‌کند، حتی اگر این تصمیمات مبتنی بر کارشناسی

یکی از پیچیده‌ترین لایه‌های تنش میان دولت چهاردهم و سازمان صدوسیما، نه در سیاست‌های کلان، بلکه در «تداوم فضای رقابت انتخاباتی» نهفته است. در شرایط فعلی نمی‌توان از یک حقیقت عریان ساختاری چشم‌پوشی کرد: حضور افراد نزدیک به جریان رقیب پزشکیان در انتخابات در سطوح عالی مدیریتی صدوسیما، این سازمان را به نهادی تبدیل کرده که گویی هنوز در «ساعت انتخابات» متوقف مانده است. حضور چهره‌هایی با پیوندهای نزدیکی به «سعید جلیلی» در لایه‌های مدیریتی و تصمیم‌ساز صدوسیما، باعث شده تا این سازمان به جای ایفای نقش «رسانه ملی» و «تربویون دولت مستقر» به شکلی غیر رسمی در جابجای «سند خبری انتخاباتی» این جریان

سیاسی ظاهر شود. بخشی از تنش‌های فعلی دولت و صدوسیما، رخدادهای «رسوب کرده و نه‌شنشیده» از ایام انتخابات ریاست جمهوری است. در این جریان، رقابت میان مسعود پزشکیان و سعید جلیلی نه تنها یک رقابت سیاسی، بلکه تقابل دو نگاه کاملاً متضاد به حکمرانی و دیپلماسی بود. امروز، مدیریت بخش‌های کلیدی صدوسیما که پیوندهای فکری و ساختاری عمیقی با سعید جلیلی دارد، ناخودآگاه به صورت بازنامه‌ریزی شده، همان «دوقطبی انتخاباتی» را به فضای رسانه‌ای کشور تزریق می‌کند.

با هدف حل مشکلات بلندمدت باشد. این دوگانگی در روایت‌نه‌تنها بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند در نهایت به «مختل کردن برنامه‌های دولت» و «تضعیف سرمایه اجتماعی آن» منجر شود.

شیخ‌انتخابات در راهروهای جام جم: رسانه ملی بساطت انتخاباتی؟

یکی از پیچیده‌ترین لایه‌های تنش میان دولت چهاردهم و سازمان صدوسیما، نه در سیاست‌های کلان، بلکه در «تداوم فضای رقابت انتخاباتی» نهفته است. در شرایط فعلی نمی‌توان از یک حقیقت عریان ساختاری چشم‌پوشی کرد: حضور افراد نزدیک به جریان رقیب پزشکیان در انتخابات در سطوح عالی مدیریتی صدوسیما، این سازمان را به نهادی تبدیل کرده است که گویی هنوز در «ساعت انتخابات» متوقف مانده است. حضور چهره‌هایی با پیوندهای نزدیکی به «سعید جلیلی» در لایه‌های مدیریتی و تصمیم‌ساز صدوسیما، باعث



رفتار صدوسیما با قالیباف، دقیقاً مشابه رفتار با پزشکیان است. برای صدوسیما، مجلس قالیباف باید «مجلس فرامیتردار» از همان گفتمانی باشد که در ایام انتخابات، شکست جلیلی را برتاباند.



رسانه» را برهم می‌زند: «تقابل از گاتیک صدوسیما با محمدباقر قالیباف». اگر چه قالیباف در ادبیات سیاسی کشور به عنوان یکی از ستون‌های جریان اصولگرا شناخته می‌شود، اما در دوقطبی‌های ترسیم‌شده توسط جریان حاکم بر صدوسیما، قالیباف نه تنها متحد نیست، بلکه رقیبی است که باید «بهار» شود. صدوسیما در حال حاضر گرفتار کانسپت «دو گانه جلیلی - قالیباف» است؛ دو گانه‌ای که با وجود اتهام انتخابات، همچنان با تمام توان در بدنه رسانه‌ای این سازمان بازتولید می‌شود. چشم‌انداز صدوسیما ساکنش در اتاق‌های تصمیم‌گیر، مثلی از قدرت رانشان می‌دهد که در آن دولت پزشکیان، مجلس قالیباف و جریان رسانه‌ای صدوسیما هر کدام ساز و برگ خود را می‌زنند. اما نکته اینجا است که صدوسیما نه تنها در مقابل دولت، بلکه در «تله‌گذاری» برای مجلس نیز پیشقدم است. برای جریان پشت پرده صدوسیما، قالیباف به عنوان رئیس مجلس و کسی که اکنون در نقش «ریس تیم مذاکره‌کننده» یا هدایتگر قوانین حیاتی قرار دارد، یک «رقیب اصلاح‌نشده» محسوب می‌شود. در نگاه این جریان، قالیباف نماد «عمل‌گرایی تکنوکراتیک» است که با آرمان‌گرایی رادیکال جلیلی در تضاد است.

به همین دلیل، تصادفات هر فرصتی برای «فرسایش قدرت، رقیبای انتخاباتی» استفاده می‌کند. وقتی قالیباف به عنوان رئیس مجلس تلاش می‌کند با دولت پزشکیان به «فوق» برسد یا در تصمیمات کلان اقتصادی مجلس، با رویکردی واقع‌گرایانه حرکت کند، بلافاصله توسط بازوهای رسانه‌ای صدوسیما با برچسب‌هایی نظیر «سازش»، «عملگر سلیقه‌ای» یا «دوری از اصول» مورد حمله قرار می‌گیرد. گویی صدوسیما مسوولیت دارد که به قالیباف یس‌آوری کند: «هنوز همان رقیب انتخاباتی جلیلی هستی و نباید از دایره تعریف‌شده ما خارج شوی». رفتار صدوسیما با قالیباف، دقیقاً مشابه رفتار با پزشکیان است، با این تفاوت که اینجا «د و خورد» درونی تر است. برای صدوسیما، مجلس قالیباف باید «مجلس فرامیتردار» از همان گفتمانی باشد که در ایام انتخابات، شکست جلیلی را برتاباند. هر زمان که قالیباف در نقش «ریس تیم مذاکره‌کننده» یا در تعامل با دولت، گامی برمی‌دارد که با نگاه خاص جلیلی تفاوت دارد، صدوسیما با استفاده از میزگردهای تحلیلی جهت‌دار، گزارش‌های خبری منتقدانه و حتی «سکوت‌های معنادار» سعی می‌کند او را تحت فشار قرار دهد. به نظر می‌رسد صدوسیما سعی خواهد قالیباف را در فضای سیاسی کشور خنثی کند تا در رقابت‌های آتی (چه در انتخابات مجلس بعدی و چه در اقی‌های دورتر) فضای تنفس برای جریان جلیلی با بماند.

قالیباف امروز نه تنها باید با چالش‌های اداره مجلس و دولت پزشکیان مواجه باشد، بلکه باید انرژی مضاعفی را صرف «دفاع در برابر حملات رسانه‌ای هم‌جناحی‌های سابق» کند. این یک «دوگانگی استراتژیک» است، جریانی که قاعدتاً باید در کنار قالیباف باشد، اکنون او را به عنوان مانعی برای رسیدن به «خصوص گفتمانی» خود می‌بیند. در کانسپت ذهنی مدیران صدوسیما، قالیباف به دلیل «واقع‌گرایی سیاسی» و توانمندی در چانه‌زنی‌های پشت پرده با دولت‌ها، غیر قابل اعتماد است. در واقع، رسانه ملی سعی می‌کند قالیباف را در چارچوب «مدیریت غیر انقلابی» معرفی کند. اگر قالیباف با دولت پزشکیان توافق تمام نشده، انتخابات بعدی از همین حالا در کنداکتور خبری آنها در جریان است.

استراتژی دولت پزشکیان: تعامل با عبور از صدوسیما؟

دولت مسعود پزشکیان در ماه‌های گذشته در مواجهه با سازمان صدوسیما، رویکردی که می‌توان آن را «استراتژی تعامل حداکثری با هدف خنثی‌سازی» نامید، در پیش گرفته است.

این رویکرد نشان‌دهنده درکی عمیق از پیچیدگی‌ها و چالش‌های فضای رسانه‌ای و سیاسی کنونی ایران از



انقلابی «معرفی می‌کند. این نوع کنشگری، در واقع «تورر شخصیت سیاسی» است که در لای «سالت رسانه‌ای» انجام می‌شود. نکته ملناز آمیز و تلخ این ماجرا اینجاست: صدوسیما که وظیفه دارد صدای وحدت و سیمای ایران باشد، خود به اصلی‌ترین عامل تفرقه‌میان‌سرن‌قوات‌بديل شده است. مدیریت فعلی صدوسیما چنان در «پایم رقابت‌های انتخاباتی» غرق شده که فراموش کرده اکنون «فصل کار» و «روزگار جنگ» است، نه «فصل مناظره». آنها همچنان در حال «مستندسازی» برای پیروزی جلیلی در یک انتخابات خیالی هستند. قالیباف برای آنها، نه رئیس مجلس، بلکه رقیبی است که باید در ایستگاه آخر مسافرت استراتژی متوقف می‌شد، اما اکنون در قدرت است و باید از طریق «فشار رسانه‌ای» کنترل شود. در نهایت کل ساختار این سازمان را با «فلج رسانه‌ای» مواجه می‌سازد. وقتی رئیس مجلس و رئیس دولت هر دو از جانب «رسانه ملی» مورد حمله قرار می‌گیرند، شاید برخی مخاطبان دچار گیجی مطلق شوند.

در حالی که تنش میان دولت پزشکیان و صدوسیما به دلیل تضاد گفتمانی تا حدی قابل پیش‌بینی بود، یک لایه پنهان و در عین حال بسیار جدی در عملکرد رسانه ملی وجود دارد که تحلیل ساده‌انگارانه «دولت در برابر رسانه» را برهم می‌زند: «تقابل از گاتیک صدوسیما با محمدباقر قالیباف». اگر چه صدوسیما استقلال می‌کند، بلکه خود را موظف به آرایه توضیحات شفاف و دفاع مستدل از سیاست‌ها و عملکرد دولت می‌داند. هدف ضاعفاً این رویکرد این است: اولاً، تلاش برای کاهش بستر تولید و پخش گزارش‌های دست صدوسیما برای روایت‌های تک‌صدایی محدودتر می‌کند. ثانیاً، تبدیل کردن همان تریبون‌های انتقادی به بخشی از «شبکه پاسخگویی»؛ یعنی استفاده از ابزارهای رسانه‌ای رقیب برای پیش‌هدف‌انداز ارتباطی. این استراتژی در عمل، به یک حرکت پویشی و پینگ‌پنگی میان دولت و صدوسیما تبدیل می‌شود. هنگامی که صدوسیما گزارشی انتقادی یا تحلیلی مغرضانه پخش می‌کند، حامیان دولت بلافاصله فرصت حضور در همان برنامه یا برنامه‌های مشابه را اغنیمت شمرده و با «پاسخگویی» بپردازد. با این کنتقال، دولت و حامیان‌اش تلاش می‌کنند «آثار منفی گزارش‌های انتقادی صدوسیما» را خنثی کنند و روایت خود را در مقابل روایت رقیب قرار دهند. این رویکرد به مخاطب القا می‌کند که دولت نه تنها از روایروای بی‌انفعالی و اهمالی ندارد، بلکه فعالانه در پی روشنگری و پاسخگویی است. این امر به تدریج می‌تواند اعتبار و اعتماد عمومی به دولت را در میان مخاطبان صدوسیما تقویت کرده و در عین حال، «صدای دوم» را در کنار «صدای غالب» صدوسیما به گوش مخاطب برساند.

البته این استراتژی، خالی از چالش‌ها و ریسک‌ها نیست. ورود به میدان بازی صدوسیما که از پیش با قواعد خاص یک جریان فکری مشخص تنظیم شده، می‌تواند خطراتی جدی در پی داشته باشد. خطر اصلی «مستکباری و تحریف پیام‌ها» است. پیام‌های دولتی ممکن است در فرآیند تدوین، مونتاژ یا حتی در نحوه اجرای برنامه‌ها، قطع، تحریف یا تفسیری جهت‌دار آرایه‌شوند که از نیت اصلی فاصله می‌گیرد. چالش‌های دیگر، «منابع و زمانبری» این رویکرد است. حضور مستمر در رسانه ملی مستلزم صرف زمان و انرژی قابل توجهی از سوی مقامات ارشد و حامیان دولت است که می‌تواند از تمرکز بر امور اجرایی بکاهد. این خطر وجود دارد که دولت درگیر واکنش‌های دایمی به انتقادات شده و از «بروژهمساز» و پیشبرد ابتکارات خود «باز بماند و همواره در موضع دفاعی قرار گیرد. با این حال، به نظر می‌رسد دولت پزشکیان با آگاهی از این مخاطرات، ریسک این استراتژی را پذیرفته، چرا که در غیاب یک رسانه عمومی مستقل و بی‌طرف هیچ راهبرد دیگری به اندازه «حضور و پاسخگویی مستقیم»، توانایی «خنثی‌سازی و مدیریت آثار منفی رسانه‌ای» را ندارد. این رویکرد، نه تلاشی برای تغییر ماهیت صدوسیما، بلکه یک تلاش واقع‌گرایانه برای کنترل نسبی روایت در یک زمین بازی ناعادلانه است. چهره‌ها و حامیان دولت نمی‌توانند - شاید هم نمی‌خواهند - صدوسیما را کنترل کنند، اما می‌توانند در آن حضور یابند و اجازه ندهند که تمام میدان به روایت رقیب واگذار شود. این جدال، جدال بر سر «روایت‌ها» است و دولت با حضور خود می‌خواهد، بخشی از این روایت را با نفع خود و برای افکار عمومی، مدیریت و تبیین کند.



حضور وجد جلیلی برادر سعید جلیلی به عنوان قائم‌مقام صدوسیما یکی از اصلی‌ترین منابع‌های هدایت بافرمان فعلی صدوسیماست تا جایی که بعضاً در ادبیات غیر رسمی از عنوان صدوسیمای جلیلی استفاده می‌شود.



جانب دولت است. در شرایطی که سوگیری‌های سیاسی صدوسیما و نزدیکی آن به جریان رقیب انتخاباتی، امری مشهود است، دولت پزشکیان به جای حرکت به سمت تقابل مستقیم با پاکوت رسانه‌ای، مسیری هوشمندانه‌تر و پرچالش‌تر را بر گزیده است.

مسعود پزشکیان به خوبی می‌داند که صدوسیما، با وجود تمام انتقادات وارده بر عملکرد و جهت‌گیری‌هایش، همچنان «فراگیرترین رسانه کشور» است. قدرت نفوذ این سازمان در تمام اقشار جامعه، به خصوص در مناطق دورافتاده و میان‌قشرهایی که دسترسی کمتری به رسانه‌های بدیل دارند، غیر قابل انکار است. از این رو، عملاً به معنای واگذاری کامل تریبون اصلی اطلاع‌رسانی به رقبای سیاسی و از دست دادن فرصت می‌پذیرد ارتباط مستقیم با بخش وسیعی از جامعه خواهد بود. این درسی است که شاید از تجربه‌های مشابه دولت‌های پیشین گرفته شده باشد؛ دولت‌هایی که گاه با کناره‌گیری از میدان صدوسیما، عملاً روایت خود را در معرض حمله بی‌دفاع قرار داده‌اند.

استراتژی حضور: تبدیل تهدید به فرصت؟

به نظر می‌رسد حامیان دولت «استراتژی حضور فعال و پاسخگو» به عنوان رکن اصلی مواجهه با صدا و سیما تعریف کرده‌اند. این رویکرد، فراتر از یک حضور صرف است؛ تلاشی است برای «همین‌داری» در زمینی که قواعد آن از پیش توسط دیگری چیده شده است. مقامات دولتی هم، نه تنها از حضور در برنامه‌های پر مخاطب صدوسیما استقبال می‌کنند، بلکه خود را موظف به آرایه توضیحات شفاف و دفاع مستدل از سیاست‌ها و عملکرد دولت می‌داند. هدف ضاعفاً این رویکرد این است: اولاً، تلاش برای کاهش بستر تولید و پخش گزارش‌های دست صدوسیما برای روایت‌های تک‌صدایی محدودتر می‌کند. ثانیاً، تبدیل کردن همان تریبون‌های انتقادی به بخشی از «شبکه پاسخگویی»؛ یعنی استفاده از ابزارهای رسانه‌ای رقیب برای پیش‌هدف‌انداز ارتباطی. این استراتژی در عمل، به یک حرکت پویشی و پینگ‌پنگی میان دولت و صدوسیما تبدیل می‌شود. هنگامی که صدوسیما گزارشی انتقادی یا تحلیلی مغرضانه پخش می‌کند، حامیان دولت بلافاصله فرصت حضور در همان برنامه یا برنامه‌های مشابه را اغنیمت شمرده و با «پاسخگویی» بپردازد. با این کنتقال، دولت و حامیان‌اش تلاش می‌کنند «آثار منفی گزارش‌های انتقادی صدوسیما» را خنثی کنند و روایت خود را در مقابل روایت رقیب قرار دهند. این رویکرد به مخاطب القا می‌کند که دولت نه تنها از روایروای بی‌انفعالی و اهمالی ندارد، بلکه فعالانه در پی روشنگری و پاسخگویی است. این امر به تدریج می‌تواند اعتبار و اعتماد عمومی به دولت را در میان مخاطبان صدوسیما تقویت کرده و در عین حال، «صدای دوم» را در کنار «صدای غالب» صدوسیما به گوش مخاطب برساند.



گفت‌وگو با ابراهیم حقیقی به مناسبت برپایی نمایشگاه «تیغ اندیشی‌ها» در گالری سهراب

این تیغ نه از بهر ستمکاران کردند*

آثار این مجموعه با فراخواندن شخصیت‌های داستانی و نقاشی‌های مدرن به رویارویی با «تیغ»‌ها خوانشی خلاقانه از این شیء به دست می‌دهند

تلخ‌اندیشانه قرن بیستمی بعد از جنگ‌های جهانی، صراحت بیان در آزاداندیشی نوپای هم‌عصر پرشست و سارتر و کامو و راسل و بکت و یونسکو، در زمانه جنگ کوبا و ویتنام و غارت آفریقا. این دیدن‌هاو گشت‌وگذار هاسب

«تیغ اندیشی‌ها» در گالری سهراب برپا بوده و ۲۱ تابلو دارد. ادامه داشته است. در این نمایشگاه، حقیقی مجموعه‌های

از ۱۶۵ تابلو جدید خود را در معرض دید مخاطبان قرار داد. او در بخشی از استیمنت این نمایشگاه نوشت: «هر مل‌مل

ایرانی که در سال ۱۳۵۴ است. او طی سال‌ها فعالیت هنری، در زمینه‌های مختلفی کار کرده از



مریم آموسا

طراحی صحنه فیلم و سریال گرفته تا ساخت تیتراژ برای فیلم‌های سینمایی، مدیریت هنری و طراحی جلد کتاب، ساخت فیلم، طراحی پوستر، عکاسی، نقاشی، کاریکاتور و هنرهای بصری. او آثار تلویزیونی و سینمایی که حقیقی طراحی صحنه و تیتراژشان را بر عهده داشته، می‌توان مجموعه‌های تلویزیونی «سربداران»، «سلطان و شیان»، «علی کوچولو» و «کیف انگلیسی» و فیلم‌های سینمایی مانند «زیر پوست شهر»، «روسی آبی»، «گیلانه»، «سه زن» و... را نام برد. حقیقی علاوه بر اینها در مقام طرح گرافیک، طراحی بیش از ۲۰۰ جلد کتاب و نشریه را در کارنامه خود دارد. نگاهی اجمالی به کارنامه او همچنین تنوعی بیش از این را هم چه به لحاظ رشته‌های هنری و چه از نظر حضور در رویدادها نشان می‌دهد. از آن جمله می‌توان به برگزاری دهه‌نامه‌ی‌نگاه از آثارش اشاره کرد که سبب آشنایی هر چه بیشتر مخاطبان هنرهای تجسمی با جهان هنری این هنرمند باتجربه شد.

حقیقی در این مجموعه بسیاری از شخصیت‌های داستانی و نقاشی‌های مدرن را فراخواند و در مواجهه با تیغ‌های برنده و خونریز خوانشی جدید و کاریکاتوری از آنها ارائه داده است. می‌گوید می‌خواستند فرانتی آزاد از کار کرد بصری تیغ به دست بدهد، چنان که هر مخاطب بر داشت خود را از این شیء داشته باشد. با این حال، روشن است و خود نیز صراحتاً می‌گوید که نگاهش ناظر بر دو گانه‌ای است که از یک سو تیغ را به ابزار خونریزی در حافظه تاریخی ما بدل ساخته و از سوی دیگر، کارگرهای راهگشایی است که این شیء را در خدمت امر انسانی قرار می‌دهد. تو گویی هنرمند بخواد به زبان هنرهای تجسمی شعر معروف ناصر خسرو را به اجرا دریاورد، خصوصاً این بیشتر را ناکر تیغ‌ها از بهر ستمکاران کردند... به مناسبت برپایی نمایشگاه «تیغ اندیشی‌ها» با ابراهیم حقیقی گفت‌وگو کردیم.

مجموعه تیغ اندیشی‌ها چگونه شکل گرفت؟

همان گونه که در استیمنت نمایشگاه نوشته‌ام و اتفاقاً در ابتدای گالری روی دیوار نقش بسته، در سال دوم دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، یعنی سال ۱۳۴۹، پس از گذر از سال اول و نتش‌ین شدن شگفت‌زدگی‌های فضای تازه و متفاوت با مدرسه‌های خستگی‌آور سیستم آموزش و پرورش، و آشنایی با هنر و دیدن کتاب‌هایی بر از آنچه تاکنون ندیده‌ای تو را وادار به فکر کردن می‌کند. سپس از ورق زدن کتاب‌هایی نفیس از هنرمند مدرن که تاکنون ندیده بودی و رسیدن به کتاب‌های خیل بزرگ کار یکتاوریست‌های بزرگ جهان مثل: سامیه، گورم‌نلن، بوسک، اوخ، توپور، لوین، شاول، اشتاین‌بک و بسیاری دیگر، پنجره‌های تازه گشوده‌ای بودند به باغ همیشه بهار هنر. کشف دسسن و تر کیب‌بندی و نگاه و نگارش

در این مجموعه به عنوان شخصیت اصلی آثار تان می‌بینیم؟ به نظر هر اثری مترتال خاص خودش را می‌طلبد. تاریخ همیشه نشان داده ابزار همیشه کمک کننده است و این به چاقوی دو لبه می‌ماند که با آن می‌شود غده‌های بزرگ را جراحی کرد و انسانی را نجات داد، و هم می‌شود مرتکب قتل شد. اگر عده‌ای با این ابزار، سهیل انگار، انه، فتاری می‌کنند و باعث تخریب در هنر می‌شوند، نمی‌شود گناه را گردن آن انداخت. غیر ممکن است امروز بشود یک فکر، ایده یا تخیل را به ایماز تبدیل کرد، و به این ابزار فکر نکرد. مثلا یک هنرمند با آبرنگ کار می‌کند، هنرمند دیگری با پاستیل و این روایت من احتیاج به این داشت که با تیغ کار کنم. به نظر این روایت اثر است که مترتال کار را به صورت مستقیم و غیرمستقیم انتخاب می‌کند و اصلاً نباید دنبال جواب‌های عجیب و غریب باشم. تیغ، این شیء به این کوچکی، بزرنگی‌ای دارد که به اندازه کافی برای همه آدم‌ها ملموس است و مثل تمام ابزارهای برنده دیگری می‌تواند کار کردی مثبت و کار کردی منفی پیدا کند. در بعضی از این کارها تیغ‌های جراحی را می‌بینید که اگر دست یک جراح بیفتد، یک بیمار را مجروح ر نجات می‌دهد و اگر دست آدم ناهل باشد، ممکن است بر سر و صورت مردم خط بیندازد. اما اگر به تاریخ نگاه کنیم همیشه مردم از این شیء ترس نداشته‌اند چون همواره تیغ با خون و خونریزی همراه است و تیغ در موقعیت‌های مختلف کار کردش تغییر می‌کند. در این نمایشگاه هم تر جیح می‌دهم هر مخاطب بر داشت خودش را داشته باشد.

چرا نمایش این مجموعه این قدر دیر، پس از ۵۵ سال اتفاق افتاد؟

اگر چه این پروژه از سال ۱۳۴۹ آغاز شد؛ اولین نمونه آنی زمانی بود که سال دوم دانشکده بودم. در طول ۵۵ سال که از آن تاریخ گذشته، فکر اینکه این رفتار با تیغ ادامه پیدا کند، همیشه وجود داشت و بر آنکه انجام می‌شود در تمام این سال‌ها همواره برای این مجموعه اتود زدم تا اینکه در دو سال گذشته تصمیم گرفتم آنها را دوباره اجرایی کنم. ایده این کارها در طول این سال‌ها شکل گرفته اما کل پروژه در دو سال انجام شد. هم‌زمان سه مجموعه آماده نمایش داشتم که به پیشنهاد شامین تر کم‌مدیر گالری سهراب تصمیم گرفتم که این مجموعه را به نمایش بگذارم.

آیا با نمایش این مجموعه بر ایده نمایشگاهی که ۵۵ سال‌ها ذهن تان را درگیر خود کرده بود، نقطه پایان گذاشتید؟

دقیقاً نمی‌دانم، ممکن است دوباره به شکلی این مجموعه ادامه پیدا کند، اما در شرایط فعلی تصمیم گرفتم این پروژه را به نمایش بگذارم تا سایر ایده‌هایم رسو اما ببخشم.

پس این روزها دیگر مشغول خلق اثر جدیدی برای این مجموعه نیستید؟

ایده اولیه این مجموعه چگونه شکل گرفت؟ نمی‌دانم، پرسیدن این سوال شاید شما را به پاسخی که می‌خواهید، نرساند. اگر از یک نقاش بپرسید که چرا نقاشی می‌کنی، فکر می‌کنید چه جوابی می‌دهد؟ او به خاطر نیاز به نقاشی کردن، نقاشی می‌کند همان طور که بازی کردن نیاز یک بازیگر است. هر کسی تفکرش به سستی می‌رود که باید آن را با انجام کاری در حقیقت درست کند. این مجموعه هم در شمار کاریکاتورهای من جای می‌گیرند. حتماً در این سال‌ها تیغ حضورش بر ابرام پرننگ و برجسته بوده که بخوامم تمرکز را روی اجرای این مجموعه بگذارم.

این مجموعه را به اینکه شما گرافیسیت هستید و بیشتر کارهای تان را به صورت دستی اجرا می‌کنید و تیغ یکی از ابزارهای همیشگی کار شما به شمار می‌رود، یکی از پشت صحنه وارد صحنه شده و چه شد که تیغ از پشت صحنه وارد صحنه شده و بهر یک در این مجموعه کار کرد تیغ را نشان بدهم، از این رو باید سایر اجزای کار را هم کوچک‌تر اجرا کنم تا تیغ واقعی باشد. برای من عکس تیغ مهم نبود. خود تیغ مهم است.

در این نمایشگاه، شما مجموعه‌ای حجم هم که شامل برتره انسان و دست به عنوان عضو انسانی است و اتفاقاً تمام این حجم‌ها با تیغ‌هایی طلایی بریده شده‌اند، به نمایش گذاشتید. حجم‌ها چگونه به مجموعه تان اضافه شدند؟

حجم‌ها به مرور به این مجموعه اضافه شدند و در این مجموعه برای اینکه تیغ‌ها بهتر به چشم بیایند آنها را در ابعاد بزرگ‌تر اجرا کردم. نمی‌دانم تیغ‌ها را ابعاد بزرگ آیا اثر گذاری دارند یا خیر! امیدوارم که مخاطبانم توانسته باشند با کارهایم ارتباط برقرار کنند.

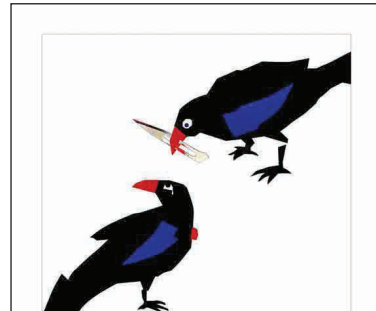
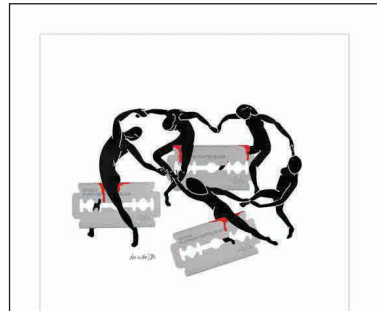
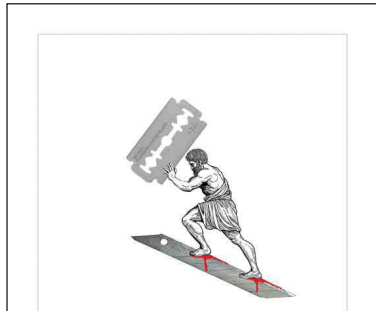
آیا قصد ندارید به زودی نمایشگاهی مستقل به مجسمه‌های تان اختصاص بدهید؟

نمی‌دانم، ممکن است این اتفاق بیفتد.

این روزها مشغول چه کاری هستید؟

مشغول نقاشی کردن روی بوم و مقوا هستم. قطعاً نمایشگاه بعدی من نقاشی خواهد بود.

عنوان گفت‌وگو مصرع‌ع‌ی از یک شعر ناصر خسرو است.



واکاوی پدیدارشناختی مطایبه در «تیغ اندیشی‌ها»ی ابراهیم حقیقی

عصیان علیه تیغ و ترس و خون

حقیقی، دقیقاً همان سلاح آگاهی کامویی است؛ فقه‌په صامت عصیان که به تعبیر سورن کی‌یر گگور، برترین مکانیسم روانی برای گذار از دلهره ز پباشناختی به آرامش غایی است. هنرمند با تمهیدات تصویری زنانه، برتری روانی خود را بر شیء جراحی‌تبار دیکته می‌کند. این هم‌افقی فلسفی، در تاقی با سبست طنز سیاه سده بیستم، تبارشناسی بصری مقتدری می‌پایدار. جاع حقیقی به نام‌های «رولان» و «ژان»، حلقه‌های مستدل این زنجیره هستند. رولان توپور با فلسفه «سخن‌تدریجی و هولناک هویت و تن»، مدام بر شکنندگی انسان در برابر خشونت اشیا تاکید می‌کرد و دستان و روان انسان را به شکل ابزارهای برنده ارائه می‌داد. در مقابل، ژان بوسک با فلسفه «پوچی، انضباط کور و تنهایی»، فجاجع را در قالب خطوطی مینی‌مال و به شدت منضبط به تصویر می‌کشید. ابراهیم حقیقی با ترکیب بر نبوغ گرافیکی خود، محتوای هراس‌ناک، جراحی‌تبار و هویت‌زدای رولان را مهار کرده و آن را در فرم منضبط، هندسی و مینی‌مال ژان می‌نشانند. این تلفیق، رمز همان جمله استیمنت است: «تیغ اندیشی بر مل‌مل ابر سفید... لمیده»، یعنی نشانیدن امر مهمیب (تیغ رولان / شمشیر دامو کلس) در دل بستری تمیز و خوششندار (هنده‌س ژان). حقیقی با این کار، ترس را از وضعیت پریشان‌بنداری خارج کرده و به آن وقاری فیلسوفانه بخشیده است. درونی‌سازی این سنت فکری در بستر هنر ایران نیز واجد اصالت است. نسبت این آثار با نگاه عزربان اردشیر محمصص و کامبیز در میخمش غیر قابل انکار است. اما حقیقی به عنوان گرافیسیتی مولف، باز تولید صرفاً آن سنت فراتر می‌رود؛ او رنج عزربان را با انضباط و ایجاز ناب گرافیک مدرن پیوند می‌زند تا عمق فاجعه را نه از طریق فریاد، بلکه از طریق سکوت هندسه به رخ بکشد. از منظر فرمی نیز آثار تابع منطقی منسجم هستند که مستقیماً از همین استدلال‌های هستی‌شناختی برمی‌آید. ایلدیل‌بایدکسان کلاژها نه انتخابی اتفاقی، بلکه نتیجه تمیت فیکور اتیو کادر از «تیغ» به عنوان عنصر مسلط است؛ گویی این ابزار تعلیق است که مختص



نقیسه ضرغامی

نمایشگاه ابراهیم حقیقی با عنوان «تیغ اندیشی‌ها» که در گالری سهراب برپاست، مجموعه‌ای شامل شخصت‌وهفت اثر را در بر می‌گیرد؛ شصت کلاژ و هفت مجسمه. کلاژها در ابعاد سی‌وسه در سی‌وسه سانتی‌متر ارائه شده‌اند و هر یک در سنه‌سنه‌عصره می‌شوند، حال آنکه مجسمه‌ها یگانه‌اند. این مجموعه، بیش از آنکه صرفاً مجالی برای مواجهه با صورت و ماده باشد، تأملی پدیدارشناختی بر امکان زیستن در جهانی است که تعلیقی فرساینده در سرشت هستی آن تنیده شده است. ابراهیم حقیقی در تاریخ هنر معاصر ایران تنها یک گرافیسیت نیست. او از چهره‌های شاخص گرافیک نوین‌واژ معماران شکل‌گیری زبان بصری نوگرایی به‌شمار می‌آید. حقیقی از اندیشمندانی است که تفکر را با باقی‌های تازه بیان بصری پیوند زده است. پیداست که خوانش آثار او مستلزم دقتی نظری است؛ زیرا او شاخه‌ها و زیرشاخه‌های گوناگون گرافیک را نه از منظر کارکردی انتقال پیام، تبلیغات یا ارتباطات، بلکه از چشم‌انداز تکوین لایه‌های پس‌پشت معنادر بستر فرهنگ می‌نگرد. در نگاه این هنرمند، گرافیک همواره رسانانه‌ای جمعی، هوشمند و اثرگذار بوده است؛ چه در پویایی تیتراژهای سینمایی ماندگار، چه در سگون‌سنجیده پوسترهایش. اکنون نیز او در این کلاژها و مجسمه‌ها همان ظرفیت را در خدمت واکاوی مفهومی ساحت هستی‌شناختی قرار داده است تا اضطرابی دیرپا را بازخوانی کند؛ اضطرابی که ریشه در تجربه زیسته او از اواخر دهه ۱۳۴۰ و نیز مواجهه‌اش با افق‌های فکری و هنری سده بیستم دارد.

برای ورود به این گفتمان بصری، هیچ نقطه عزیمتی معتبرتر از بیانیه هنرمند نیست؛ متنی که هم چارچوب مفهومی آثار را روشن می‌کند و هم به‌منزله سندی، چشم‌اندازی از جهان‌بینی و دغدغه‌های او به دست می‌دهد. از این منظر، استیمنت صرفاً توضیحی برای فراهم آوردن پیش‌زمینه‌ای

برای مخاطب نیست، بلکه امتداد خط فکری برآمده از سال‌ها تجربه و بخشی از فرآیند آفرینش آن است. حقیقی در بیانیه این نمایشگاهی می‌نویسد: «تیغ اندیشی بر مل‌مل ابر سفید آرام‌لرزننده‌ای لمیده، آرامشی

پیش از تو فان؟ نه، تعلیقی فرسایشی... آدمیزاد که هم‌زاد درد است، زبانه هنرمند تیزی تیزی بر تنده تیغ‌ها ندارد. شمشیر دامو کلس است آویخته به تار موئی بر بالای سر، که تقدیر است و به تندی فرود می‌آید. فرود در پوست، بر جراح، بر خون... تفریح کردن و دست‌انداختن این تقدیر لغزنده‌شاید زهر کشنده‌اش را پاندره کند؛ دست‌کم رفتنی است که زنده و مطایبه‌ای است که ترس را مهار می‌کند...»

این بیانیه، مانع‌فست هم‌افقی فکری ابراهیم حقیقی با ستون‌های فلسفه اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی است. وقتی حقیقی از «تعلیق فرسایشی» و ناگزیری (هم‌زاد) می‌گوید، متن او مستقیماً با مفهوم «تاب‌شدگی» مار تین هایدگر منطبق می‌شود؛ این افق فکری که انسان بدون اراده خود در جهانی پر مخاطره را هرگز بشکند و باید با شکنندگی وجودی خود مواجه شود. حضور پر تکرار تیغ در کلاژهای او، تجسم‌عینی همین خطر مدام است؛ گویی زیستن در تعریف حقیقی، چیزی جز حرکت مستمربر «استانته منزل ثبات و فروپاشی» نیست؛ مرزی ظرف میان سراسر ایرو امن وجود و هجمه نیستی. در این میان، استعاره مرکز «شمشیر دامو کلس» در بیانیه حقیقی، ما را به عمق «موقعیت مرزی» در فلسفه کرال یاسپرس می‌برد. یاسپرس معتقد است انسان تنها در مواجهه با موقعیت‌های گریزناپذیر (همچون مرگ، رنج و شکنندگی) از خواب غفلت‌روزمرگی بیدار شده و به اصالت وجودی خود پی می‌برد. شمشیر دامو کلس او بیدارگر بر سر انسان در آثار حقیقی، همان بیدارباش پدیدارشناختی است. اما بساخ حقیقی به این دلهره چیست؟ او می‌نویسد: «تفریح کردن و دست‌انداختن این تقدیر... زهر کشنده‌اش را پاندره کند... ایجاب است این آسیب عزربان مقدر تاریخی را به با نظریه عصیان و زبور»؛ آلب کرامو فرار می‌گیرد. کامو در افسانه سیزیف استدلال می‌کند که در مواجهه با پوچی و خشونت مقاومت‌ناپذیر جهان انسان نباید تسلیم با سوگواری شود؛ بلکه باید با «عصیان آگاهانه» و طنز، سیاه‌عملیت خود را پس بگیرد. و طبیعتاً دست‌انداختن تقدیر در کارهای

به مجموعه تان اضافه شدند؟ حجم‌ها به مرور به این مجموعه اضافه شدند و در این مجموعه برای اینکه تیغ‌ها بهتر به چشم بیایند آنها را در ابعاد بزرگ‌تر اجرا کردم. نمی‌دانم تیغ‌ها را ابعاد بزرگ آیا اثر گذاری دارند یا خیر! امیدوارم که مخاطبانم توانسته باشند با کارهایم ارتباط برقرار کنند.

تبدیل تفکر به تصویر خلاقانه در جهان ابراهیم حقیقی

رنج و فاجعه زیر پوست شوخ طبعی

یک شوخ‌طبعی هنرمندانه نیست؛ در چه کاره‌ها همان قطع‌های کوچک و طرح‌های به‌ظاهر ساده را دارند، اما در پس این سادگی، نمایشی سهمناک از رنج آدمی تصویر شده است. کادر کوچک آثار با فیکورها و حیوان‌ها که در ابعادی ریز اغلب با خطوط سبب‌ترسیم شده‌اند، در نگاه نخست سرخوشانه و خوشایند به نظر می‌رسند. کافی است کمی دقیق‌تر نگاه کنی، به زنان، رقصان اثری ماتیس، به خانواده‌های هنری مور، به پرنده یکسا، به مجلس بزم نقاشی‌های چاپ‌سنجی، فاجعه رخ می‌نماید. لیخند بر لب‌هایی ماسد، خون گرم سرخ جاری می‌شود. ابراهیم حقیقی از اواخر دهه ۱۳۴۰ به عنوان طرح گرافیک با صدها پوستر، جلد، نشانه، عنوان‌بندی فیلم و صفحه‌آرایی بر اعتبار و منزلت گرافیک ایران افزوده است. با این حال خود می‌گوید سوسه عکاسی و فیلمساری و نقاشی و نوشتن، همه این سال‌ها او را راه‌نار کرده است. طراحی و ساخت اشیا ی مصرفی همچون فرش‌ها و گبه‌هاوشیشه‌ها هم، راه‌ها و ابزارهایی برای بیان خلاقانه دغدغه‌های هنرمند بوده‌اند. نقطه پیونددهنده همه آثار او، ذهن و دستی توانا در تبدیل تفکر و جهان زیسته‌اش، به تصویر خلاقانه است. آثاری که حافظه تصویری ما را ساخته و جهان را جای بهتری برای زیستن کرده‌اند.

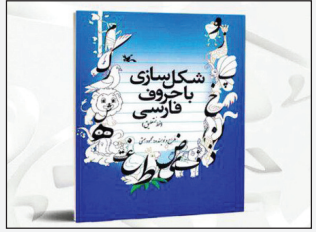


توکاملکی

انسان، دشواری وظیفه‌است -شاملو- بیست خون فواره می‌زند، اما به زحمت د خونی دیده می‌شود. برش تیغ، سریع است و بعد ناگهان می‌بینی سرخی خون گرم همه جا را پر کرده است. ابراهیم حقیقی ذهنی منظم و اندیشه‌ور دارد و هر رفتار خلاقانه‌ای همچون جست‌وجویی دقیق برای پدیدآوردن اثر هنری است. از طرح سول تا رسیدن به جواب یا گیر رسیدن به راهکار طرح سول؛ حتی وقتی سفارش دهنده‌ای برای طراحی بکت اثر گرافیکی در بین نباشد، نمونه‌هایی از مجموعه‌های که امروز بر دیوار می‌بینیم، در سال ۱۳۴۹ پدید آمده بود و با عنوان «تیغ‌ها و ادجها» در سال ۱۳۹۲ در کتاب مجموعه آثار حقیقی به چاپ رسید. سال گذشته چندتایی از آنها در نمایشگاهی گروهی به تماشادر آمد، رجوع به این آثار، هنرمند را بر آن داشت تا مضمونی را که قصه همه دوران می‌تواند باشد، جدی بگیرد و به این ترتیب مجموعه تازه با پشتوانه پنج دهه تجربه شکل گرفت. ۵۵ سال پیش این چند اثر، یک بازیگوشی طنزانه با موقعیت‌های متضاد بشری به نظر می‌آمدند. امروز مجموعه جدید، دیگر فقط



شکل‌سازی با حروف فارسی



در همین حوالی

کتابی برای آموزش حروف فارسی (خط نستعلیق) با استفاده از شکل حیوانات و اشیا و تلفیق آن با حروف از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای مخاطبان کودک منتشر شده است. «شکل‌سازی با حروف فارسی (خط نستعلیق)» عنوان این کتاب است که با طراحی و نویسندگی محمود همتی تلاش می‌کند هنر اصل و ارزشمند خوشنویسی را با روش تداعی معانی به کودکان بالای

دیده، بر اساس ذهن خلاق خود اجرا می‌کند. کتاب «شکل‌سازی با حروف فارسی (خط نستعلیق)» در این کتاب ۷۲ صفحه‌ای مصور و رنگی برای هر حرف فارسی سه صفحه در نظر گرفته شده است که در صفحه نخست، حرف فارسی به تنهایی روی کاغذ پوستی یا کالک به صورت جدا روی تصویر صفحه بعد - که شامل شکل و سطرهای تمرینی است - قرار می‌گیرد و در صفحه سوم نیز مخاطب آنچه آموزش



آنهارا به دست فیبر نوری سپرده تا در نقطه‌ای دیگر از جهان در آن سوی سرزمین‌ها و اقیانوس‌ها فرود آیند و با خروج از فشرده‌سازی به چشم به هم زنی طی الارض نمایند. همچنین با پزشکی، جراحی و درمان از راه دور می‌توان در یک سوی جهان بیماری را خواباند و در سوی دیگر تیغ جراحی را به دست پزشکی سپرد تا با واسطه فیبر نوری و جریانات صفر و یکی، بهبودی حاصل گردیده و رنجی از دوش بیماری برداشته شود و همه این پیشرفت‌ها برای زندگی بهتر به کمک یک شبکه جهان گستر اهل و قوی امکان پذیر است. در شرایطی که اینترنت کشور ما به اضافه وزن دچار شده و یک پدیده ناقص‌الخلقه سسر گردان را به جا گذاشته است استفاده از نوآوری و فناوری‌های ذکر شده چیزی جز فاجعه به بار نخواهد آورد. تصور کنید در حین فرآیند فشرده‌سازی و ارسال

ناقص‌الخلقه رنج‌افزا

بستر اینترنت و فیبر نوری شکل گرفته است که ثباتی در جریان اطلاعات وجود نداشته و سوسوی صفر و یک، گاهی دانش آموزان و دانشجویان را از کلاس بیرون برتاب کرده تا حظ مردم آزاری بر جان این ناقص‌الخلقه بنشینند، همانند لذتی که کودکان شرور در ناوختن زنگ خانه‌ها و فرار پس از آن در بعد از ظهر تابستانی تجربه می‌کرده‌اند. کاربران هنگام ارتباط با یک مخاطب در پیام‌رسان‌های داخلی بعد از ارسال یک پیام یا حین ارسال یک فایل، بارها با عبارت «در حال اتصال» مواجه شده و در صورت عجله با رنجی مواجه می‌گردند که چاپارهای خسته عهدست با آن دست و پنجه نرم نکرده بودند. هنگام استفاده از نشان‌یاب‌ها، اختلال در اینترنت می‌تواند به مسیریادهی اشتباه منجر شده و شمارا به جای غرب به شرق یک شهر بکشاند یا اینکه در انبوهی از ترافیک و شلوغی رها کرده و سعی مجدد در ارتباط را خواستار شود؛ در این میان کار ترافیک‌های مسیریاب همانند راننده تاکسی است که مسافر خود را به مقصد نرسانده، در وسط یک شهر بزرگ رها کرده و می‌رود. در عملیات خرید و فروش و امور بانکی، اینترنت نااهل می‌تواند پدید آورنده تراکنش‌های ناموفق بسیاری باشد و چه بسا در دست‌انداختن‌های اینترنتی داخلی پول‌های زیادی گم شود و جست‌وجو برای یافتن آن در فضای مجازی زمان زیادی از شهروندان را تلف نماید. بارگیری و بارگذاری اطلاعات در دامن این موجود ناقص، گاهی چنان به اتلاف وقت منتهی می‌شود که «مارسل پروست»ی را باید به کار گرفت تا زمان از دست رفته از عمر شهروندان ایرانی را جست‌وجو کند. سال‌هاست که با توسعه روزافزون علم و فناوری مزه‌مه‌هایی از پیشرفت شتابان فناوری ارتباط راه دور به گوش می‌رسد و قرار است بشیریت با شگفتانه‌هایی مواجه شود که طلی‌ان می‌توان مسافران را در یک اتاقکی فشرده ساخته و با زدن دکمه در سال



مهدی دهقان‌منشادی

پیش از این در یادداشتی با عنوان «سوهان فناوری اطلاعات بر روح شهروندان»، اینترنت ایران را چون موجودی ناقص‌الخلقه و دارای اضافه وزن تصور کردم که با کم تحرکی و کندی سرعت خود مانند سوهانی روح شهروندان را به عذاب کشانده است. اینک رنج‌افزایی آن به تصویر کشیده می‌شود. آدم‌ها در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود دایم فکر کرده‌اند تا با خلق یک فناوری و زایش یک نوآوری مشکل یا مشکلاتی را حل کرده و با فراهم کردن شرایطی بهتر، رنج و سختی را از زندگی خود و هم‌نوعان خود بزدایند. در ایران اما گویی عده‌ای کارشان فکر کردن است تا با درست کردن دست‌انداختن‌ها و محدودیت‌هایی در هر چیزی، به زایش رنج و سختی و عذاب کمک کنند. فناوری اطلاعات و اینترنت چند دهه دیر به ایران آمد که کاش اصلاً نیامده بود تا مردم در عادات و روزمرگی سنتی گذشتگان خود مشغول بودند. ضرب‌المثلی هست که می‌گوید «تره کاشتیم که قاقق نان‌مان شود، بلائی جان‌مان شد»، به‌طور دقیق مصداق همین اینترنت موجود در ایران است این پدیده ناقص‌الخلقه که چون انگشت ششمی در روح جامعه فرو رفته است در شرایط قرن بیست و یکم به جای اینکه یک وسیله گرگ‌شاور رنج‌دال باشد به یک موجود رنج‌افزا و زجر آفرین بدل گشته است. فیلترینگ شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های بیگانه‌ای چون یوتوب، تلگرام و اینستاگرام و قطع ارتباط با جهان، تکلیف بسیاری از صاحبان مشاغل اینترنتی را روشن کرد و آنها را از بزرخ‌پالت‌کلیفی به پنجم‌بیکاری فرستاد اما کاربران اینترنت داخلی، دچار یک ناقص‌الخلقه‌ای گشته‌اند که حقوق شهروندی را به هیچ گرفته و آرام و بی‌خیال روزگار می‌گذرانند. آموزش مجازی مدارس و دانشگاه‌ها و موسسات خصوصی آموزشی در حالی بر

چهره‌روز

از آیدای برای شاملو تا ماهداد برای خرسند؛ روایت یک زندگی ماندگار

براز پرت‌نژادهای بازش، زمان نمی‌شناخت، چقدر بودیم و چقدر حوصله می‌کردیم که بشنویم؟ اما خرسند، غیر از «ها» و «همین «ها»هایی که همه این سال‌های تنهایی او نبودیم، سه «ها» داشته است: ماهداد، مانی و مانا (همسر و دو فرزندش) و از میان این سه تن که نزدیک‌ترین به وجود او هستند، یکی در قله بودن ایستاده؛ در سکوتی پر از «با خرسند زیستن» و با «خرسند بودن»؛ اگر چه شاید از بسیاری از «ها»ها، ناخرسند بوده و حتی طبیعی است که از «خرسند» هم ناخرسندی‌هایی داشته است. خواستم از خرسند بگویم و دیدم که از «ماهداد خرسند» گفتم، ضروری تر است؛ چه آنکه خرسند، بیش از همه‌ما، «ماهداد» داشته است.



محمدرضا اسدزاده

خواستم از خرسند بگویم، دیدم آنچه باید از کار و تبار او گفته شود، گفته‌ایم و نوشته‌ایم. در هنگامه مرگ، چه بسبب «ها»ها که به گمان‌مان، نزدیکتری به اویی که دیگر نیست، بسیار از «بودن» خود با او می‌گویم.

باری گفت: «از لذت‌های جهان، سیگار، دنیا را از فرنگ

ایران، فردوسی طوس را از مذهب و ایمان، حسین کربلا را بیش از همه دوست می‌دارم.» بعد هم ادامه داد و گفت: «هن در سرتاسر زندگی، مدیون یکی هستم و او عیال است... من برای همین پول خریدن سیگار که لذت هر روزم شده، حتی برای بودن در همین اتاق کوچک هم مرون لطف ماهدادم...» به تجربه در گفت‌وگوهای گوناگون با استاد خرسند، درمی‌یافتی که پایان هر گفت‌وگو، سخنی فراتر از روایت‌ها داشت؛ روایت «ماهداد» در مراسم پاسداشت تالار وحدت گفت که هر چه هدیه هست، به ز من بدهید. گفتند که خب نمی‌شود، پروتکل‌های ریاست جمهوری، اجازه نمی‌دهد و باید خودتان روی سن بیایید. پایان گفت‌وگو با خراسان، پایان گفت‌وگو با

خبر روز

سود اسپانیا از جنگ خاورمیانه

اسپانیا در حالی در ماه آوریل با جذب ۹.۱ میلیون گردشگر، رکورد تازه‌ای ثبت کرد که در حال سود بردن حداکثری از شرایط ناآرام در خاورمیانه بوده و هدفش جذب ۱۰۰ میلیون گردشگر تا پایان سال ۲۰۲۶ است. از زمان همه‌گیری کرونا که ساختار احتکاهی مانند منطقه بنیدوم عملاً متروک و صنعت گردشگری اسپانیا در وضعیت رکود قرار گرفت، اکنون بهبودی قابل توجهی حاصل شده است. تعداد ورود گردشگران خارجی به این کشور هر سال رکورد می‌زند، به گونه‌ای که در سال ۲۰۲۵ به ۹۷ میلیون نفر رسید. اسپانیا که در حال حاضر دومین مقصد بزرگ گردشگری جهان و در رتبه دوم پس از فرانسه قرار دارد، در تلاش است موفقیت اخیر خود را در سال ۲۰۲۶ تثبیت کند. فده فوستر، رئیس انجمن گردشگری محلی اسپانیا به بی‌بی‌سی می‌گوید: «فکر می‌کنم امسال سال خوبی باشد. من خوش‌بین هستم. صحبت از رسیدن به ۱۰۰ میلیون توریست در اسپانیا است. اگر به همین روند رشد کنیم، خیلی زود به مقصد شماره یک جهان تبدیل خواهیم شد.» کارشناسان صنعت گردشگری در ابتدای انتظار داشتند اسپانیا در سال ۲۰۲۶ رشد نسبتاً متوسطی داشته باشد اما جنگ امریکا و اسرائیل با ایران، اسپانیا را به جایگزینی جذاب در مقایسه با بلدی و کشورهای شرقی مدیترانه‌مانند

تکیه و قبرس تبدیل کرده است. فوستر می‌گوید: «در این لحظات بحرانی، حملات نظامی یا جنگ‌ها، زورآزمایی‌ها در اسپانیا همیشه افزایش می‌یابد.» رئیس انجمن گردشگری محلی اسپانیا در حالی به تجربه مشابهی در سال ۲۰۱۱ در جریان بهار عربی اشاره می‌کند، اما ترجیح می‌دهد اسپانیا بدون این مزیت با کشورهای دیگر رقابت کند. فرانسیسکو فمینیاس، مدرس جغرافیا در دانشگاه کامپلوتنس مادرید به بی‌بی‌سی می‌گوید: «هر بار که بحرانی در مدیترانه شرقی یا خاورمیانه رخ می‌دهد، اسپانیا به عنوان مکانی امن برای سفر در نظر گرفته می‌شود و بخشی از توریست‌هایی که معمولاً به دلیل قیمت‌های پایین تر به ترکیه یا مصر می‌رفتند، ممکن است به اسپانیا بیایند. آمار رسمی ورود گردشگران خارجی به اسپانیا این موضوع را تأیید می‌کند. این کشور در ماه آوریل سال جاری میلادی، ۹.۱ میلیون بازدیدکننده بین‌المللی داشت، که رکورد جدیدی برای این ماه محسوب می‌شود. این رقم ۵.۲ درصد یا ۴۵۰ هزار نفر بیشتر از ماه آوریل ۲۰۲۵ است. در همین حال، فرودگاه بین‌المللی دوبی کاهش ۶۶ درصدی تعداد مسافران را در ماه مارس تجربه کرد؛ زیرا پروازها و زورآزمایی‌ها به دلیل وضعیت ناپایدار در خاورمیانه به طور قابل توجهی کاهش یافته بود.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می‌کند

آیین رونمایی از کتاب

دهی مای بنی عباس

وشهادت امامان معصوم (ع)

از سایه نفاق تا طلوع شادت

سخنرانان

غلامرضا امیرخانی
رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

عبدالمجید معادیخواه
پژوهشگر قرآن و تاریخ اسلام

رسول جعفریان
رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

محمدباقر انصاری
رئیس موسسه بوستان کتاب

فضل الله صلواتی
مؤلف کتاب

تاریخ: چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵
ساعت: ۱۷ تا ۱۹

آپوئان حفاتی، خروجی کتابخانه ملی مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سالن حکمت

اعتنا

این نامه اخلاقی حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir

صاحب امتیاز: موسسه رسانه‌نگاران خوب‌اندیش
مدیرمسئول: بهروز بهزادی
مدیرعامل: علی حفرتی
مشاور اجرایی: حجت طهماسبی
مشاور مدیرمسئول: محمد حفرتی
نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست منو
تلفنخانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ شماره: ۶۶۱۲۴۰۲۱
ایمیل: etemaddaily@hotmail.com
توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰
چاپ: همشهری ۲ ■ تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۴

اذان ظهر: ۱۳/۰۴ ■ غروب آفتاب: ۱۹/۲۰ ■ اذان صبح فردا: ۰۳/۰۲ ■ طلوع آفتاب فردا: ۰۴/۲۸

بیتر مصور | جام جهانی

مظفر



نگاه آخر

مهر ایران زمین

من این دلکش زمین را خواهم از جان
من این روشن سمرا را دوست دارم
اگر بر من ز ایرانی رود زور
من این زور از مارا دوست دارم
اگر آلوده دامانید اگر پاک
من ای مردم شما را دوست دارم»



علی‌اصغر شهردوست

ای کاش می‌شد گوشه‌ای از آن
شامگاهان دور دست را شنید؛
جایی که پژمان بختیاری در
حوالی حسن آباد تهران، هنوز
از نسیم دامنه‌های زردکوه بوی
نعنا می‌شنید. سال ۱۳۷۹ در
محللای از پایتخت چشم گشود،
اما ریشه‌های تنومندش در دهکده دشتک، در هشتاد
و پنج کیلومتری شهر کرد امروز، در کنار سرچشمه‌های
کارون، مستحکم بود. پدرش علیمرادخان میر پنج، از
سرداران مشروطه و مادرش عالمتاج قائم‌مقامی متخلص به
«زله» شاعری نامی که کنشش به میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام
فراهانی می‌رسید چنین بود که پژمان از کودکی هم شمیم
فرماندهی را از پدر شنید و هم ز منظم و نثر را از مادر.
او در مدرسه فرانسوی «سن لویی» درس خواند، به زبان
فرانسه تسلط یافت، مدتی در وزارت پست و تلگراف خدمت
کرد، اما به زودی در یافت که قلمرو حقیقی او، همان قلمرو
پرمجاری شعر و تصنیف است.

پژمان در روزگاری که بر خی روشنفکران از نومیدی، سر در لاک
خویش کشیده بودند و برخی دیگر، آوارگی و غربت را به
ماندن در این «پیران سرا» ترجیح می‌دادند، پژمان بی‌پروا
فریاد زد: من همین ویرانه را دوست دارم. و این عشق،
بی‌درنگ به دفاع از آن ویرانه نیز انجامید. نکته ماندگاری که
از پژمان برای همیشه به تارک اندیشه ایرانیان نقش بست،
این بود که «مهر ایران زمین» تنها به گفتن «دوست دارم»
نیان نمی‌پذیرد، بلکه به ایستادگی نیاز دارد که «زور آما»
به خود بیند. همان گونه که شهدای دفاع از وطن، در برابر
هجمه‌های گوناگون، از خود ایستادگی نشان دادند. آنان نیز
چون پژمان، «آب و هوای» این سرزمین را با همه تلخی‌ها
و خشکی‌هایش دوست داشتند و به پای آن جان باختند.
راستی چه فرقی می‌کند که شاعر در سال ۱۳۲۰ از اشغال
منتقین بگوید یا از زندمانی در شلمچه از تهاجم دشمن
دفاع کند؟ روح هر دو یکی است، روحی که می‌گوید: «هن
این دلکش زمین را خواهم از جان».

پژمان در سال‌هایی که باز غبار غربت بر چهره ایران نشسته
سرپرست (پس از داود پیرنیا و رهی معیری) حضور یافت و
غزل‌هایش با هتگسازانی چون علی تجویدی و پرویز باجقی
به زانه‌هایی ماندگار بدل شد، هرگز از سنگر شعر و تصنیف
خود عقب‌نشینی نکرد.
امروز، در سال‌هایی که باز غبار غربت بر چهره ایران نشسته
و دشمنان با نقشه‌هایی تازه در صدد تجزیه و تاراج این
خاک بر آمدند، پژمان از پس پنجاه سال، همان گونه که
در ۱۳۲۰ فریاد زد: «من این آب و هوا را دوست دارم»،
از مای خواهد که بار دیگر با بستیم و این عشق را تا پای
جان بپاییم.

پژمان در سال‌هایی که باز غبار غربت بر چهره ایران نشسته
سرپرست (پس از داود پیرنیا و رهی معیری) حضور یافت و
غزل‌هایش با هتگسازانی چون علی تجویدی و پرویز باجقی
به زانه‌هایی ماندگار بدل شد، هرگز از سنگر شعر و تصنیف
خود عقب‌نشینی نکرد.
امروز، در سال‌هایی که باز غبار غربت بر چهره ایران نشسته
و دشمنان با نقشه‌هایی تازه در صدد تجزیه و تاراج این
خاک بر آمدند، پژمان از پس پنجاه سال، همان گونه که
در ۱۳۲۰ فریاد زد: «من این آب و هوا را دوست دارم»،
از مای خواهد که بار دیگر با بستیم و این عشق را تا پای
جان بپاییم.

پژمان در سال‌هایی که باز غبار غربت بر چهره ایران نشسته
سرپرست (پس از داود پیرنیا و رهی معیری) حضور یافت و
غزل‌هایش با هتگسازانی چون علی تجویدی و پرویز باجقی
به زانه‌هایی ماندگار بدل شد، هرگز از سنگر شعر و تصنیف
خود عقب‌نشینی نکرد.
امروز، در سال‌هایی که باز غبار غربت بر چهره ایران نشسته
و دشمنان با نقشه‌هایی تازه در صدد تجزیه و تاراج این
خاک بر آمدند، پژمان از پس پنجاه سال، همان گونه که
در ۱۳۲۰ فریاد زد: «من این آب و هوا را دوست دارم»،
از مای خواهد که بار دیگر با بستیم و این عشق را تا پای
جان بپاییم.

پژمان در سال‌هایی که باز غبار غربت بر چهره ایران نشسته
سرپرست (پس از داود پیرنیا و رهی معیری) حضور یافت و
غزل‌هایش با هتگسازانی چون علی تجویدی و پرویز باجقی
به زانه‌هایی ماندگار بدل شد، هرگز از سنگر شعر و تصنیف
خود عقب‌نشینی نکرد.
امروز، در سال‌هایی که باز غبار غربت بر چهره ایران نشسته
و دشمنان با نقشه‌هایی تازه در صدد تجزیه و تاراج این
خاک بر آمدند، پژمان از پس پنجاه سال، همان گونه که
در ۱۳۲۰ فریاد زد: «من این آب و هوا را دوست دارم»،
از مای خواهد که بار دیگر با بستیم و این عشق را تا پای
جان بپاییم.

کفت و گو



بررسی آغاز جام جهانی با ستاره نسل طلایی ایران مهدی پاشازاده

از ازبکستان هم عقب‌تریم اما ایرانی اهل روزهای سخت‌است

با جنگ و اقتصاد بد حس و حالی برای جام جهانی نیست!

بعداز ۲۰ سال رقم خورد و شماره بیراهن شمام هم ۲۰ بود. خرافاتی که نبوده‌اید؟

نه، نه (با خنده) واقعا فکر نکردم ۲۰ بیوشوم تا بعد از ۲۰ سال برویم جام جهانی. اما خب اتفاقی بود که افتاد اما از همه چی مهم‌تر آن اعتبار و فضای بود که توانستیم به وجود بیاریم و آن خوشحالی مردم که در خیابان‌ها آمده بودند و با تمام وجود خوشحالی می‌کردند و آن بهترین اتفاق دوران ورزشی ما بود.

چطور تا این حد محبوب شده بودید که هنوز هم مردم از نسل ۱۹۹۸ حرف می‌زنند؟

ما در تمام رای‌گیری‌ها سه عنوان بهترین تیم ملی ایران انتخاب شده‌ایم. یکی از علت‌هایش این بود که با جان و دل و بی‌ادعای بازی می‌کردیم و سوم اینکه واقعا به خاطر مردم ما پرچم کشورمان بازی می‌کردیم؛ اینها دلایلی شد که بعد از این همه سال هنوز هم که هنوز است مردم صحبت از تیم ۹۸ می‌کنند. بنده همین الان

که داشتم سوار هواپیما می‌شدم کسانی را دیدم که برای اولین بار بود می‌دیدمشان. در شهر مشهد هنوز هم خاطرات ملبورن یس‌بازی با آمریکا را تعریف می‌کردند که این یک اعتبار است. این محبوبیت با هیچ پول و

مقلی خریدنی نیست. چطور تا آن حد با مردم نزدیک بودید اما الان می‌بینیم بعضی از هنرمندان

یا ورزشکارانی که چندان شناخته شده هم نیستند با یاد یگار در د بین جماعت ظاهر می‌شوند؟

خدمت‌تان بگویم زمانی که ما از استرالیا آمدیم به فرودگاه دوبی، نمی‌دانم چقدر زمان برد تا تا بویوس

نزدیک بودید اما الان می‌بینیم بعضی از هنرمندان یا ورزشکارانی که چندان شناخته شده هم نیستند با یاد یگار در د بین جماعت ظاهر می‌شوند؟

خدمت‌تان بگویم زمانی که ما از استرالیا آمدیم به فرودگاه دوبی، نمی‌دانم چقدر زمان برد تا تا بویوس

روز به دلوار

زمانی که ضرب‌هنگ فوتبال جهان با شروع جام جهانی تغییر می‌کند تمام چشم‌ها به سوی میدان‌های نبرد خیره می‌شوند. با نزدیک شدن به لحظه نخستین سوت داور ریخت بر سر مدعیان اصلی و تغییر الگوهای بازی و شکاف میان نسل‌های مختلف فوتبال به اوج خود رسیده است. اما آنچه در این دوره از مسابقات، فضای متمایز و هیجانی متفاوت نسبت به دوره‌های گذشته ایجاد کرده فراتر از مسائل فنی است. این بار جهان با جوی جدید روبه‌رو است که هم‌زمان با پیشرفت تکنولوژی و پیچیدگی‌های تاکتیکی و فشار روانی بی‌سابقه با تیم‌های پیشتر که ماهیت رقابت‌ها را دگرگون کرده است. برای درک این تحولات و تحلیل دقیق وضعیت مدعیان در سبانه این هیجان جهانی به سراغ یکی از نمادهای فوتبال ایران رفتیم. مهدی پاشازاده یکی از ستاره‌های نسل طلایی و عضوی که در جام جهانی ۱۹۹۸ قلمب تپنده تیم ملی بود در گفت‌وگویی صمیمی و اختصاصی با «عتقاد» از تفاوت‌های ساختاری این دوره و تماشاگر دنیای مدرن فوتبال از دریچه تجربیات خود می‌گوید که در ادامه حاصل این گفت‌گورا می‌خوانید.

اولین تصویری که از جام جهانی به ذهن‌تان می‌آید چیست؟

جام جهانی بالاترین چیزی است که یک فوتبالیست به آن می‌رسد. آن شور و حالی که وقتی به جام جهانی فرانسه رفتم داشتم و استقبال و افتتاحیه‌و... همه اینها به ذهن می‌آید. لحظات خوب و دل‌انگیزی بود که باعث ایجاد انگیزه زیادی برای‌مان شد.

صعود ایران به جام جهانی در سال ۱۹۹۸ میلادی

رسانه‌های خارجی شناس زبادی برای ایران قائل نیستند تاثیر تدار کات ضعیف و غیبت سردار



نهایی خواهد بود و پس از قرعه‌کشی نسبت مناسب در کنار بلژیک، مصر و نیوزیلند، آنها می‌توانند برای اولین‌بار در هفتمین تلاش خود از مرحله گروهی صعود کنند.

با این حال، تدار کات تیم ملی و در واقع خود حضور آنها در این تورنمنت، به دلیل تنش‌های نظامی ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، دچار آشفتگی کامل شد؛ به طوری که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به صورت علنی اعلام کرد که بازی کردن برای طارمی و هم‌تیمی‌هایش «مناسب» نخواهد بود، زیرا او نمی‌تواند امنیت آنها را تضمین کند. با وجود اینکه تمام بازی‌های گروهی آنها در خاک آمریکا برگزار می‌شود، آنها مجبور شده‌اند پایگاه خود را به مکزیک منتقل کنند - پس از جابه‌جایی مقرر مسابقاتی خود از توسان در ایالت آریزونا - و در میان یک جدال تیره و تار بر سر ویزا و دسترسی به استادبوم‌ها، مجبور خواهند بود برای هر مسابقه با پرواز وارد کشور شوند.

سردار آزمون نیز به شکلی دراماتیک از ترکیب تیم کنار گذاشته شده است. این سایت همچنین در مورد نیوزیلند رقیب نخست ایران در جام جهانی نوشت: تصمیم فیفا مبنی بر اعطای یک سهمیه تضمین شده به قاره اقیانوسیه در جام جهانی ۲۰۲۶، صعود نیوزیلند به بازی‌های نهایی را برای اولین‌بار از سنال ۲۰۱۰ به یک بارک تشریفاتی تبدیل کرد، زیرا آنها هیچ رقیب شایسته‌ای در کنفدراسیون فوتبال اقیانوسیه (OFC) ندارند. همان‌طور که مایکل باکسال، مدافع این تیم، پس از صعود «سفیدپوشان» در پیروزی ۳-۰ مقابل کالدونیای جدیدی گفت: «ما در دوره‌های قبلی سختی و شکست‌های دردناکی را پشت سر گذاشتیم، اما زمانی که مسابقات توسعه یافت، این انتظار راز خردمان شد.»

اکنون سئوال این است که آیا آنها می‌توانند در سال جاری در امریکای شمالی تاثیری بگذارند؟ پیروزی ۱-۴ در ماه مارس مقابل شیلی حداقل به روند تضعیف‌کننده بازی بدون برد پایان داد، اما می‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که کریس نوو، مهاجم ناتینگهام فارست، تنها بازیکن واقعا تراز اول در ترکیب نیوزیلند است.

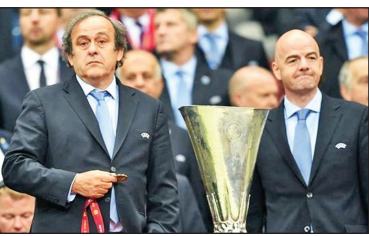
بنابراین پیروزی مقابل ایران در اولین بازی سفیدپوشان برای شناس صعود آنها از گروهی که می‌رسد، اما شکست سنگین ۴-۰ در بازی تدار کاتی مقابل تیم ضعیف هایتی و باخت به انگلستان نشان می‌دهد که آنها بعید است موفق شوند.

در این فهرست مصر دیگر رقیب ایران در جایگاه ۲۱ قرار دارد و بلژیک در رده هشتم ایستاده است.

خبر

رییس سابق یوفا، رییس فیفا را به چالش کشید

شکایت کیفری میشل پلاتینی از اینفانتینو



بنام‌سازی شده که مسیر مدیریت فوتبال را تغییر داده است. پلاتینی از طریق این فرآیندهای قضایی جدید، در تلاش است تا نام خود را پاک کند و افرادی را که به باور او مسوول حذف او از مدیریت فوتبال بوده‌اند، شناسایی کند.

مناقشه‌ای ریشه‌دار در تحقیقات مربوط به پرداخت سال ۲۰۱۵

ریشه‌های این پرونده به پرداخت ۲ میلیون فرانک سوییس به پلاتینی در سال ۲۰۱۱ بازمی‌گردد که توسط سب پلاتر، رییس وقت فیفا تأیید شده بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد این پرداخت مربوط به کار مشاوره انجام شده بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ بوده است، اما تاخیر در پرداخت بعدها توجه بازرسان را جلب کرد. هنگامی که جزئیات این تراکنش مالی محرومیت‌های طولانی مدت از فعالیت‌های مرتبط با فوتبال مواجه شدند. در آن زمان، پلاتینی به طور گسترده به عنوان نامزد اصلی برای جانشینی بلاتر رقابت، راه را برای اینفانتینو که در آن زمان دبیر کل یوفا بود، هموار کرد تا در فوریه ۲۰۱۶ به ریاست فیفا دست یابد. اینفانتینو از آن زمان تاکنون دو بار بدون هیچ رقیبی دوباره انتخاب شده است. شکایت کیفری پلاتینی و اقدام مدنی برنامه‌ریزی شده او، یکی از مهم‌ترین مناقشات مدیریتی فوتبال را همچنان در کانون توجه‌نگه خواهد داشت. این خادرس‌های می‌تواند بررسی‌های محسودی را روی رویدادهای پیرامون تحقیقات سال ۲۰۱۵ و جانشینی ریاست فیفا که پس از آن رخ داد، معطوف کند.

سایت جهانی GOAL در گزارشی به رده‌بندی تیم‌های جام جهانی ۲۰۲۶ بدون توجه به رتبه‌بندی فیفا پرداخته که در این رده‌بندی اسپانیا با وجود مشکلات مصدومیت لآمین یامال همچنان در صدر قرار گرفته است و بعد از اسپانیا تیم‌های آرژانتین و فرانسه فینالیست‌های دور قبل جام جهانی در رده‌های دوم و سوم ایستاده‌اند. در این رده‌بندی طبق نظر نویسندگان کارلو آنجلوتی برزیل را به جمع ۱۰ تیم برتر بازگردانده در حالی که تیم ملی آمریکا پیش از آغاز بزرگ رقابت‌ها با نمایش‌های اخیر خود رتبه بهتری به دست آورده است.

به گزارش روزنامه اعتماد، سایت GOAL در ادامه نوشت: واقعا هیچ چیز شنبیه جام جهانی نیست. حتی صرفا کسب سهمیه صعود، سطحی از هیجان ملی را ایجاد می‌کند که بازی‌های باشگاهی به سادگی توان رقابت با آن را ندارند؛ به همین دلیل است که ما شاهد صحنه‌هایی حقیقتا توأم با شادی در سراسر جهان بودیم، چرا که کشورها یکی پس از دیگری جایگاه خود را در فستیوال فوتبال امسال در امریکای شمالی تضمین کردند. شش شرکت‌کننده نهایی در ماه مارس مشخص شدند؛ سوئد، ترکیه، جمهوری چک و بوسنی و هرزگوین چهار سهمیه باقیمانده اروپا را به خود اختصاص دادند. در حالی که عراق و جمهوری دموکراتیک کنگو از پلی آف بین‌کنفدراسیونی بالا آمدند.

بنابراین صحنه برای رقابت‌های نهایی که نویدبخش مسابقاتی جذاب است، آماده شده؛ جایی که آرژانتین لیونل مسی به دنبال دفاع از جامی است که چهار سال پیش در قطر بالای سر برد. با این حال، مدافعان عنوان قهرمانی کار سختی پیش رو خواهند داشت، چرا که مدعیان جدی زیادی وجود دارند.

به گزارش روزنامه اعتماد، در این فهرست کارشناسان نگاهی ناامیدکننده به تیم ملی ایران داشته‌اند و با وجود اینکه یوزها در رده‌بندی فیفا جزو ۲۰ تیم برتر جهان جا گرفته‌اند، احتمالا به خاطر شرایط سیاسی و همین‌طور کمبودها در مسیر آماده‌سازی ایران را در رتبه ۴۱ بین ۴۸ تیم جام جهانی جا داده‌اند.

این سایت در مورد شاگردان امیر قلعه‌نویی نوشت: «ایران با دو بار جبران عقب‌افتادگی و کسب تساوی ۲-۲ مقابل تیم رده دومی از انگلستان در تهران در مارس ۲۰۲۵، جایگاه خود را در جام جهانی ۲۰۲۶ تثبیت کرد؛ نتیجه‌ای که قرار گرفتن تیم میزبان در رتبه اول یا دوم گروه A آسیا را تضمین کرد. مهدی طارمی، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، تعیین کننده ظاهر شد و این مهاجم المعبا کوسا هر دو گل کشورش را به ثمر رساند، اگر چه او بار دیگر به خوبی توسط سردار آزمون حمایت شد. ایران از عمق اسکواد چندانی برخوردار نیست - همان‌طور که نمایش ضعیف آنها در باخت ناامیدکننده به ازبکستان در مسابقات کافا ۲۰۲۵ (CFA Nations Cup) این موضوع را نشان داد - اما آنها قطعا فاقد تجربه نیستند و تیمی که در حال حاضر در رتبه ۲۱ جهان قرار دارد را نباید دست کم گرفت. این شرایط همین حضور پیاپی آنها در مرحله

این جام جهانی نسبت به جام جهانی گذشته را چطور می‌بینید؟

با اضافه شدن ۱۶ تیم دیگر کیفیت اولیه بازی‌ها قطعا پایین می‌آید؛ دور دوم اما باید نظر گرفت؛ اینکه تیم‌های سوم هم بازی‌های پند وضعیت بهتری می‌شود. البته حق همه کشورهاست که بخواهند در جام جهانی باشند اما این وضعیت قطعا آن کیفیت لازم را در دور اول ندارد و دور دوم شاید کیفیت بهتر شود. اینها همه یک چالش است. تورنمنت شرایط متفاوتی با لیگ دارد و اتفاق‌های زیادی ممکن است در آن رخ بدهد.

مدعیان اصلی این جام از نظر شما؟

قطعا در تورنمنتی امکان دارد که سورپرایز داشته باشیم اما فرانسه و اسپانیا و انگلیس و برزیل و آرژانتین و آلمان مدعی هستند. اینها بستگی به نوع صعودشان هم دارد. حتی پر تغال هم تیم یکدست و پر مهرهای است حالا باید دید چطور با هم بر خور می‌کنند و یکسری هم اجباری باید حذف شوند و هنوز زود است دربارش صحبت کنیم.

شرایط تیم ملی ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تیم ملی ما شرایط خوبی ندارد و عدم آمادگی بازیکنان به دلیل تعطیلی لیگ را داریم. الان مثلا ببینید از انگلستان یا هلند بازی دوستانه می‌کنند اما ما مالی و گامبیا خوب قطعا

تاثیر گذار است. الان ازبکستان هم همه جوره از ما جلوتر است و باید واقع‌بین بود اما همیشه ما ایرانی‌ها روزهای سخت را پشت سر گذاشته‌ایم و کارهای بزرگ‌تری کرده‌ایم. امیدوارم بچه‌ها موفق باشند تا دل مردم را شاد کنند.

آن کشور و نشاط بین مردم برای ورود به جام جهانی وجود دارد؟

نه همین وضعیت جنگی و اقتصادی و عدم مردمی بودن یکسری بچه‌ها فضای مجازی که هر چیز خصوصی را پخش می‌کند؛ شرایط تغییر کرده. باید مراقب بود از زندگی خصوصی چیزی پخش نشود و حرف‌هایی هست که نباید گفته شود. اینها تاثیر می‌گذارد.



نگاه

وقتی برنامه‌ریزی تیم ملی در تلاطم قرار می‌گیرد

تکرار سناریوی لغو

برنامه آماده‌سازی تیم ملی فوتبال ایران برای حضور در جام جهانی بار دیگر سآ یک تغییر ناخواسته و ناامیدکننده مواجه شد. دیدار تدار کاتی شاگردان امیر قلعه‌نویی مقابل تیم ملی گرنادا در حالی که قرار بود آخرین آزمون جدی ملی‌پوشان پیش از سفر به عرصه جهانی باشد، لغو شد. تیم ملی که این روزها واردی آماده‌سازی خود را در شهر تیخونای مکزیک بر پا کرده است در مسیر رسیدن به آمادگی مطلوب با برخورد با دیواره‌های بی‌ثباتی روبه‌رو شده است. علت اصلی لغو این دیدار عدم آمادگی بازیکنان تیم ملی گرنادا برای حضور در این مسابقه اعلام شده است. آن هم در شرایطی که اصلا کسی نمی‌دانست این کشور اصلا فوتبالی دارد که بحث آمادگی یا ناآمادگی اش مطرح باشد یا خیر! گرنادا یک جزیره در قاره امریکاست که خیلی از مردم دنیا حتی نمی‌دانند چنین کشوری وجود دارد! این کشور ۱۱۰ هزار نفر جمعیت دارد و در رتبه ۱۶۳ جدول فیفا قرار گرفته است. موضوعی که نشان می‌دهد حتی در این سطح بازی‌های دوستانه هم هماهنگی‌های لازم صورت نگرفته است. اما این دومین بازی تدار کاتی لغو شده ایران در آستانه جام جهانی است که نشان از آشفتگی در برنامه‌ریزی‌ها دارد. پیش از این هم دیدار برنامه‌ریزی شده مقابل پورتوریکو به دلیل تغییر ناگهانی محل استقرار تیم ملی از امریکا به مکزیک از دستور کار خارج شده بود. این زنجیره از لغو بازی‌ها زمانی نگران‌کننده می‌شود که بدین‌هم‌زمان برای رسیدن به رقابت‌های اصلی

کارشنکی امریکا و فیفا مقابل انفعال فدراسیون

بلیت‌های هواداران ایرانی پدید!

با روح حاکم بر رقابت‌های بین‌المللی و اصل برابری میان کشورهای شرکت‌کننده است. این اتفاق، پرسش‌های جدی درباره دخالت ملاحظات غیروزشی و سیاسی در روند برگزاری بزرگ‌ترین رویداد فوتبال جهان ایجاد کرده است. هواداران فوتبال ایران همواره در تمامی رقابت‌های بین‌المللی با رعایت قوانین و احترام به اصول حرفه‌ای، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی تیم ملی بوده‌اند و انتظار می‌رود حقوق قانونی آنها همانند هواداران سایر کشورها مورد احترام قرار گیرد. «اتفاق رخ داده که در ردیف کارشنکی‌های متوالی امریکا و فیفا قرار می‌گیرد بار دیگر زنگ خطر را برای فوتبال ایران که هم‌اکنون در مکزیک به سر می‌برد به صدا در آورده است. بسیاری از کارشناسان معتقدند با چنین شرایطی باید انتظار رفتارها و اتفاقات بسیار عجیب‌تری را طی روزهای آینده و مخصوصا هنگام حضور ایران در کشور امریکا داشته باشیم. در حال حاضر با سلب سهمیه بلیت فدراسیون فوتبال ایران امکان وجود دارد که حاشیه‌سازان بتوانند به صورت یکدست تمام ظرفیت استادیوم را در اختیار بگیرند و تیم ملی ایران را تحت فشار قرار بدهند. این اتفاقات در شرایطی در حال رخ‌دادن است که مهدی تاج‌مدعی شده بود تضمین لازم را از فیفا گرفته است، اما هر روز که به جام جهانی نزدیک می‌شویم، می‌بینیم که اوضاع برای ملی‌پوشان در حال سخت‌تر شدن است. کشور امریکا و فیفا توأم با زیر پا گذاشتن قوانین و رویه‌های همیشگی عرصه را بر تیم ملی ایران تنگ‌تر می‌کنند و فدراسیون فوتبال هم کاری جز انتشار بیانه‌های انتقادی دوستانه انجام نمی‌دهد.

نقد

زیر پوست حوادث

مرگ مردی به دست پسرش توسط پاشیدن مواد شوینده

تحقیقات در پرونده مرگ مردسالخورده نشان می‌دهد که پسر او در درگیری، به سمت پدرش، مواد شوینده اسیدی پاشیده‌است.

ساعت ۴ بعدازظهر ۱۷ خردادماه جاری، مسوولان یکی از بیمارستان‌های تهران، مرگ مردی ۷۵ساله را به‌قاضی محسن اختیاری، باز پرس شعبه‌اول دادرسی جنایی تهران اعلام کردند.

با اعلام این خبر، تیم جنایی تحقیقات خود را آغاز کرد. بررسی‌های اولیه و اظهارات پزشک معالج نشان داد علت مرگ، سوختگی شدید ناشی از تماس بامواد شوینده اسیدی بوده‌است.

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که از چند روز قبل با همین آسیب‌ها به بیمارستان منتقل شده‌و از آن زمان تحت درمان بوده‌است.

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای روشن شدن ماجرا از فرزندان مرد جان‌باخته تحقیق کردند. اظهارات آنها مسیر پرونده را تغییر داد و اسرار جنایت خانوادگی را آشکار کرد. به گفته فرزندان قربانی، برادر ۴۰ ساله‌شان دچار اختلالات روانی است و گاهی بر سر مسائل جزئی با اعضای خانواده درگیر می‌شود.

به گفته آنها، روز حادثه نیز میان این مرد و پدرشان مشاجره‌ای رخ داد و پسر خانواده چند ماده شوینده قوی را با یکدیگر مخلوط کرد و روی پدرش پاشید. بخشی از این مواد وارد دهان مرد سالخورده شد و باعث سوختگی شدید او شد. فرزندان خانواده پس از حادثه، پدرشان را به بیمارستان منتقل کردند، اما تصور نمی‌کردند این حادثه به مرگ او منجر شود و به همین دلیل موضوع را به عنوان یک درگیری خانوادگی گزارش نکردند. با مرگ مرد ۷۵ساله و روشن شدن ماجرا پرونده جنایی تشکیل شد. با توجه به شواهد موجود مبنی بر دخالت پسر ۴۰ساله در این حادثه و همچنین ادعای خانواده دربار با مشکلات روحی و روانی او باز پرس دادرسی جنایی تهران دستور انتقال متهم به پزشکی قانونی برای بررسی وضعیت روانی‌اش را صادر کرد. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

فرزندکشی درآبدانان

فرمانده انتظامی آبدانان از وقوع یک فقره قتل خانوادگی در یکی از محلات این شهرستان خبر داد.
جواد احمدی در تشریح این خبر گفت: «در پی دریافت گزارشی مبنی بر وقوع یک فقره قتل در یکی از محلات شهرستان، موضوع به صورت ویژه در دستور کار ماموران پلیس آگاهی شهرستان قرار گرفت.» او در ادامه گفت: «ماموران پلیس آگاهی بلافاصله در محل حاضر و در بررسی‌های اولیه مشخص شد فردی به علت اختلافات خانوادگی، با استفاده از سلاح گرم اقدام به قتل پسر ۳۶ ساله خود کرده‌است.» فرمانده انتظامی شهرستان آبدانان با اشاره به کشف سلاح مورد استفاده در صحنه جرم گفت: «متهم در محل دستگیر و پس از تشکیل پرونده، جهت سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.»

زنی همسر خود را با همدستی سه نفر دیگر کشت

فرمانده انتظامی استان یزد گفت: «زنی که همسر ۵۰ساله خود را با همدستی سه نفر دیگر به قتل رسانده بود، پس از دو سال بازداشت شد.»
احمد نگهبان در تشریح این خبر گفت: «در پی دریافت پرونده قتلانی مردی حدوداً ۵۰ساله از یکی از استان‌های غربی کشور، کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی یزد به بررسی موضوع پرداختند.»

او گفت: «در بررسی‌های اولیه هیچ‌گونه اطلاعی از سرنوشت این مرد در دست نبود، اما با تحقیقات و تلاش شانه‌روزی کارآگاهان پلیس، فرضیه وقوع یک جنایت خانوادگی تقویت شد.»

فرمانده انتظامی استان گفت: «ماموران پلیس در ادامه تحقیقات خود، به همسر مرد مفقود شده مظنون شدند و او را مورد بازجویی‌های فنی و پیچیده قرار دادند.» نگهبان گفت: «متهم که در ابتدا منکر هر گونه موضوعی می‌شد با قرار گرفتن در مقابل کارآگاهان تیزهوش پلیس به قتل شوهرش با همدستی پدر و مادر خود و فرد دیگری اعتراف کرد.» او همچنین گفت: «بلافاصله با اخذ مجوز قضایی، مظنونین دیگر این پرونده نیز دستگیر شدند و به قتل و سوزن‌دان جسد متقول با انگیزه اختلافات خانوادگی اعتراف کردند و با تکمیل پرونده، تحویل دادرسی شدند.»

خودکشی ناموفق زنی ۳۸ساله

جانشین فرمانده انتظامی استان بوشهر از نجات جان یک بانوی ۳۸ساله متاهل که با مصرف ۵۰ عدد قرص خواب‌آور قصد خودکشی داشت، از سوی ماموران پلیس شهرستان کنگان خبر داد.

جوشن سهرابی در تشریح این خبر گفت: «در پی اعلام شهروندی به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر دریافت یک پیامک هشدار دهنده از سوی خانمی ۳۸ساله مبنی بر اقدام به خودکشی، بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت.» او در ادامه گفت: «ماموران کلانتری ۱۳ بَنک و یگان‌های گشت پلیس پیشگیری با اقدامات فنی و اطلاعاتی و تلاش بی‌وقفه، موفق شدند محل حضور این خانم را در پارک ساحلی کنگان شناسایی کنند.» جانشین فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: «ماموران هنگام مواجه شدن با این فرد مشاهده کردند که او با خوردن ۵۰ عدد قرص خواب‌آور قصد خودکشی داشته‌است که فوری اقدامات اولیه پزشکی صورت گرفت.» سهرابی گفت: «با سرعت عمل پلیس و عوامل اورژانس ۱۱۵ با انتقال او به بیمارستان و با اقدام به موقوف پزشکان از مرگ حتمی نجات یافت.»

حوادث

گفت‌وگو



قاضی سابق دادگاه کیفری در مورد قتل و خودکشی در دانشکده دندانپزشکی قزوین به «اعتماد» می‌گوید

سهل انگاران مواخذه می‌شوند

طبق شنیده‌های «اعتماد»؛ دو مامور حراست دانشگاه بازداشت شده‌اند

بوده که او در همان محل جان خود را از دست داده

است. ضارب پس از تکاب قتل، همان سلاح را به سمت سسر خود گرفته و با شلیک یک گلوله اقدام به خودکشی کرده‌است. با حضور به موقع نیروهای امنیتی و انتظامی، صحنه جرم تحت کنترل درآمده و تحقیقات میدانی آغاز شده‌است. پرونده قضایی در دادرسی عمومی و انقلاب قزوین تشکیل شده‌است. اجساد هر دو نفر برای انجام معاینات دقیق و بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شده‌است. باز پرس ویژه پرونده و کارآگاهان پلیس در حال بررسی ابعاد پنهان این حادثه، نحوه تهیه سلاح جنگی و همچنین انگیزه‌های اصلی متهم هستند.»
با این حال باید دید روند تشکیل پرونده برای چنین حوادثی چگونه خواهد بود. «اعتماد» در همین راستا با «محمود کیخا»، قاضی سابق دادگاه کیفری یک تهران به گفت‌وگو پرداخته‌است.

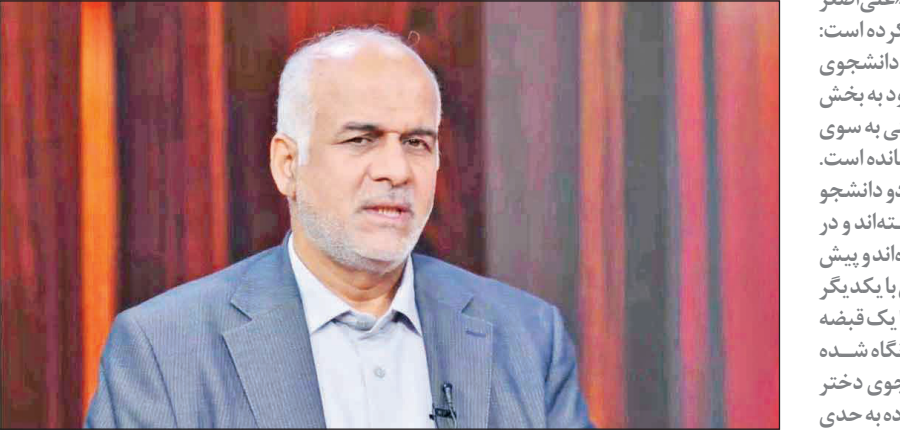
بهاره شبانکارنیان

صبح یازدهم خرداد ماه جاری، یک دانشجوی دختر سال آخر دندانپزشکی توسط همسر خود در دانشگاه علوم پزشکی قزوین به قتل می‌رسد. ضارب پس از از تکاب قتل با همان سلاح در در مانگاه دانشکده دندانپزشکی به زندگی خود پایان می‌دهد. شنیده‌های «اعتماد» حاکی از آن است که «مقتول و ضارب با هم نسبت خانوادگی داشته و چند سال بوده که از دواج کرده، اما این واخر به خاطر اختلافات خانوادگی دچار مشکل شده بوده‌اند و مقتول قصد جدایی داشته‌است. ضارب قبل از این حادثه چندین بار همسر خود را تهدید کرده و آن روز با سلاح کلت جنگی وارد بخش در مانگاه دانشکده دندانپزشکی شده و به سمت دختر چند گلوله شلیک کرده و سپس سلاح را به سمت سر خود گرفته و با شلیک گلوله به زندگی خود پایان داده‌است.» همچنین طبق دیگر شنیده‌های «عتماد»؛ پس از این حادثه، دو نفر از ماموران حراست بازداشت شده‌اند، چراکه ضارب به راحتی اسلحه جنگی را با خود به داخل دانشگاه برده‌است.» یک قاضی سابق دادگاه کیفری یک در مورد اینکه چطور یک دانشجوی به راحتی با اسلحه جنگی وارد محیط دانشگاه شده به «اعتماد» می‌گوید: «گر در روند تحقیقات قضایی مشخص شود افرادی سهل‌انگاری کرده‌اند حتی می‌توانند به عنوان معاونت در وقوع جرم تحت تعقیب قرار بگیرند، چرا که با سهل‌انگاری ورود ضارب با قاتل با اسلحه‌را به دانشگاه سهل یا آسان کرده‌اند.» پس از این حادثه «علی اصغر عسگری»، دادستان قزوین اعلام کرده‌است: «در ساعات اولیه صبح روز حادثه، یک دانشجوی پسر سال آخر دندانپزشکی با ورود به بخش در مانگاه دانشکده، با سلاح کلت جنگی به سوی یک دانشجوی دختر، او را به قتل رسانده‌است. بررسی‌های اولیه نشان داده که این دو دانشجوی در آستانه فارغ‌التحصیلی قرار داشته‌اند و در مرحله متار که از یک رابطه عاطفی بوده‌اند و پیش از این نیز اختلافات خانوادگی شدیدی با یکدیگر داشته‌اند. صبح روز حادثه مرد جوان با یک قبضه سلاح کلت جنگی وارد محوطه در مانگاه شده و چهار گلوله به ناحیه سینه دانشجوی دختر شلیک کرده‌است. شدت جراحات وارده به حدی

تسکین پرونده‌ها را برسر می‌گذارد.
چون در موردی که اخیرا در شهر قزوین اتفاق افتاده، چون ضارب با قاتل بعد از وقوع قتل که از تکاب قتل عمدی بوده‌مبادرت به کشتن خود کرده،قابلیت تعقیب کیفری نخواهدداشت و صرفا این پرونده از لحاظ جنبه‌های دیگر قابلیت تعقیب دارد. با توجه به اینکه ضارب در این حادثه با اسلحه جنگی اقدام به این عمل کرده و ظاهر اسلحه قاچاقی را وارد محیط آموزشی دانشگاه کرده، پرونده از این جهات قابل پیگیری است.البته برای شخص مرتکب یا همان قاتل جنبه خصوصی و عمومی جرم در نظر

■ **تشکیل پرونده برای چنین حوادثی که ضارب با قاتل خودکشی کرده، چگونه‌است؟**

در موردی که اخیرا در شهر قزوین اتفاق افتاده، چون ضارب با قاتل بعد از وقوع قتل که از تکاب قتل عمدی بوده‌مبادرت به کشتن خود کرده،قابلیت تعقیب کیفری نخواهدداشت و صرفا این پرونده از لحاظ جنبه‌های دیگر قابلیت تعقیب دارد. با توجه به اینکه ضارب در این حادثه با اسلحه جنگی اقدام به این عمل کرده و ظاهر اسلحه قاچاقی را وارد محیط آموزشی دانشگاه کرده، پرونده از این جهات قابل پیگیری است.البته برای شخص مرتکب یا همان قاتل جنبه خصوصی و عمومی جرم در نظر



بوده که او در همان محل جان خود را از دست داده

یک پرونده

جنایت در پارکینگ یک خانه مسکونی

از ناحیه ششکم هدف گلوله قرار گرفتند.
نفر سوم، اما موفق به فرار شد.
دقایقی بعد دو مجروح به بیمارستان منتقل شدند، اما یکی از آنها به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داد.

مرد مجروح در تحقیقات گفت: «پسر خاله‌ام مدتی بود با یک خواهر و برادری آشنا شده بود که پس از فوت پدر و مادرشان با برخی مسائل مربوط به انحصار وراثت و امور اداری روبه‌رو بودند و چون پسر خاله‌ام تجربه بیشتری داشت، قرار بود در انجام این کارها به آنها کمک کند و من هم بخشی از کار را انجام دهم. روز حادثه همراه پسر خاله‌ام و یکی از دوستانش به خانه آنها رفتیم و چند ساعت آنجا بودیم.» او در ادامه گفت: «وقتی خواستیم از ساختمان خارج شویم، متوجه شدیم در پارکینگ بسته‌است. به همین خاطر با صاحبخانه تماس گرفتیم و خواستیم که در راباز کنند، اما لحظاتی بعد ناگهان یکی از همسایه‌ها

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵، ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۷، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۶، سال بیست‌وسوم، شماره ۶۳۴۲

حقوقی

مجازات قتل‌های خانوادگی در قانون

حکم قتل خانوادگی با توجه به مصادیق آن متفاوت است و در فرزند یا پدر، مادر، خواهر، برادر و همسر و با توجه به نوع قتل از قبیل عمد و غیر عمد دارای تفاوت است.قتل‌های خانوادگی عبارت از قتل‌هایی است که اعضای یک خانواده چه بستگان نسبی و چه سببی به علت‌های مختلفی اعم از مسائل ناموسی،اعتیاد، فقر، حسادت و کینه یا بیماری‌های روانی اقدام به کشتن یکی از اعضای خانواده خود می‌کنند.

حکم قتل فرزند توسط پدر

این نوع از قتل خانوادگی نسبت به سایر انواع آن از گستردگی بیشتری برخوردار است.قتل فرزند توسط پدر می‌تواند علل ناموسی یا روانی و اعتیاد نیز داشته باشد.طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات جرم کشتن فرزند توسط پدر حتی در صورتی که قتل عمدی باشد، قصاص یا اعدام نیست، بلکه پدر باید به ورثه فرزند، دیه پرداخت کند و بدین دلیل که قتل یکی از موانع ارث است، او از دیه بهره‌مند نمی‌شود. علاوه بر این، طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی؛ هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکي نداشته یا شاکي نداشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام او موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود، دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌کند.

حکم قتل فرزند توسط مادر

در این نوع از قتل خانوادگی با توجه به عمدی، شبه عمدی و خطای محض بودن آن تفاوت دارد. به‌طور کلی اگر قتل فرزند توسط مادر انجام پذیرد مانند فرض پدر نیست و مادر قصاص می‌شود. حال اگر به صورت شبه‌عمد انجام شود قصاص نمی‌شود و مستلزم پرداخت دیه از سمت او است و اگر قتلی که صورت می‌گیرد خطای محض باشد مادر قصاص نمی‌شود، بلکه دیه از عاقله او یا خود او پرداخت می‌شود.

حکم قتل پدر و مادر توسط فرزند دختر و پسر

قتل پدر و مادر توسط فرزندان اعم از پسر یا دختر، مشمول مجازات جرم قتل است. وقتی که فرزند پسر یا دختر، پدر یا مادر خود را به صورت عمدی به قتل می‌رساند، اعدام یا قصاص می‌شود. مگر اینکه اولیای دم رضایت دهند، اما در صورتی که قتل به صورت شبه‌عمد و خطای محض صورت گیرد باید دیه پرداخت شود.

قتل توسط برادر یا خواهر و کشتن برادر توسط برادر

یکی دیگر از نمونه قتل‌های خانوادگی این مورد است که مانند دیگر مصادیق قتل است که در فرض عمدی بودن، مرتکب قصاص می‌شود و در فرض شبه عمدی بودن، دیه‌را باید پرداخت کند و در فرض خطای محض نیز باید به‌از عاقله یا خود او پرداخت شود.

حکم کشتن همسر

در صورتی که زنی اقدام به کشتن همسر خود کند در صورتی که عمدی باشد قصاص می‌شود، مگر رضایت اولیای دم و اینکه دیه به آنها پیردازد. اگر به صورت غیر عمد خطای محض انجام نشود باید دیه را به اولیای دم متقول پرداخت کند. قتل زن توسط شوهر هم به همین صورت است. مگر اینکه در حالت فرارش صورت گیرد. در قانون مجازات(ماده ۶۳۰ قتل برات) بیان شده که با سهل‌انگاری ورود ضارب یا قاتل را به دانشگاه سهل یا آسان کرده‌اند. در نتیجه اگر در روند تحقیقات این موضوع اثبات شود این افراد قابلیت تعقیب کیفری دارند و مجازات خواهند شد، آن هم به عنوان معاونت در وقوع جرم.

■ **در این شرایط مراجع قضایی می‌توانند دستور بازداشت ماموران حراست با انتظامات را صادر کنند؟**

بله، به عنوان معاونت در وقوع جرم معاون وقوع جرم کسی است که اقدامات مباشر و مرتکب اصلی را اصطلاحاً تسهیل کرده‌است. همه اینها بستگی به تحقیقاتی که دادرسی محل وقوع جرم انجام می‌دهد، دارد. اگر تحقیقات به‌اینجا برسد که سهل‌انگاری یا سونعیت عمدی انجام شده و متهم قادر بوده که اسلحه جنگی را وارد دانشگاه کند، قطعاً قابل تعقیب و مجازات است. با توجه به مجازات مرتکب اصلی از منظر جنبه عمومی قتل تا ۱۰ سال حبس و تنه با نسبت آن معاون هم‌قابلیت مجازات را خواهد داشت.

■ **در مورد این پرونده نکته خاصی وجود دارد که عنوان کنید؟**

معضلی که در حال حاضر در جامعه ما وجود دارد، روابطی است که در محیط دانشگاه، اداری و… ایجاد می‌شود. اکثر این روابط ناصحیح هستند، چرا که منجر به تصمیمات غلط می‌شود و این تصمیمات غلط چون از روی هیجان گرفته می‌شود، منجر به از تکاب جرایم خشن می‌شود مانند قتل. به نظر می‌رسد که خانواده‌ها باید مراقبت بیشتری بر رفتار فرزندان خود داشته باشند تا از بروز چنین رفتارهایی جلوگیری شود.

معضلی که در حال حاضر در جامعه ما وجود دارد، روابطی است که در محیط دانشگاه، اداری و… ایجاد می‌شود. اکثر این روابط ناصحیح هستند، چرا که منجر به تصمیمات غلط می‌شود و این تصمیمات غلط چون از روی هیجان گرفته می‌شود، منجر به از تکاب جرایم خشن می‌شود مانند قتل. به نظر می‌رسد که خانواده‌ها باید مراقبت بیشتری بر رفتار فرزندان خود داشته باشند تا از بروز چنین رفتارهایی جلوگیری شود.

به خانام بر گشتم. البته من با آن خواهر و برادر از قبل اختلاف داشتم و اختلاف‌ها چند بار بر سر موضوعات مختلف از جمله مسائل مربوط به ساختمان و حتی موضوعات ساده‌ای مانند جاکفشی و موارد مشابه پیش آمده بود، اما موضوع ربطی به اختلافات نداشت.» متهم با اشاره به این موضوع گفت: «وقتی دیدم این افراد مهمان همسایه‌هایی هستند که با هم اختلاف داریم، تصمیم گرفتم حال همسایه‌ام را بگیرم. البته وقتی با سه نفر روبه‌رو شدم، ترسیدم. در جریان کشمکش و مراجعه آن سه نفر به در خانام چون ترسیده بودم اسلحه را بیرون آوردم تا شاید برونند، اما شلیک کردم. بعد هم متوجه شدم دو نفر زخمی شده‌اند و یکی از آنها جانش را از دست داده‌است.» در حال حاضر متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات برای روشن شدن تمامی زوایای این پرونده، بررسی دقیق انگیزه متهم، نحوه تهیه و نگهداری سلاح و همچنین بازسازی صحنه تیراندازی ادامه دارد.

به خانام بر گشتم. البته من با آن خواهر و برادر از قبل اختلاف داشتم و اختلاف‌ها چند بار بر سر موضوعات مختلف از جمله مسائل مربوط به ساختمان و حتی موضوعات ساده‌ای مانند جاکفشی و موارد مشابه پیش آمده بود، اما موضوع ربطی به اختلافات نداشت.» متهم با اشاره به این موضوع گفت: «وقتی دیدم این افراد مهمان همسایه‌هایی هستند که با هم اختلاف داریم، تصمیم گرفتم حال همسایه‌ام را بگیرم. البته وقتی با سه نفر روبه‌رو شدم، ترسیدم. در جریان کشمکش و مراجعه آن سه نفر به در خانام چون ترسیده بودم اسلحه را بیرون آوردم تا شاید برونند، اما شلیک کردم. بعد هم متوجه شدم دو نفر زخمی شده‌اند و یکی از آنها جانش را از دست داده‌است.» در حال حاضر متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات برای روشن شدن تمامی زوایای این پرونده، بررسی دقیق انگیزه متهم، نحوه تهیه و نگهداری سلاح و همچنین بازسازی صحنه تیراندازی ادامه دارد.

به خانام بر گشتم. البته من با آن خواهر و برادر از قبل اختلاف داشتم و اختلاف‌ها چند بار بر سر موضوعات مختلف از جمله مسائل مربوط به ساختمان و حتی موضوعات ساده‌ای مانند جاکفشی و موارد مشابه پیش آمده بود، اما موضوع ربطی به اختلافات نداشت.» متهم با اشاره به این موضوع گفت: «وقتی دیدم این افراد مهمان همسایه‌هایی هستند که با هم اختلاف داریم، تصمیم گرفتم حال همسایه‌ام را بگیرم. البته وقتی با سه نفر روبه‌رو شدم، ترسیدم. در جریان کشمکش و مراجعه آن سه نفر به در خانام چون ترسیده بودم اسلحه را بیرون آوردم تا شاید برونند، اما شلیک کردم. بعد هم متوجه شدم دو نفر زخمی شده‌اند و یکی از آنها جانش را از دست داده‌است.» در حال حاضر متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات برای روشن شدن تمامی زوایای این پرونده، بررسی دقیق انگیزه متهم، نحوه تهیه و نگهداری سلاح و همچنین بازسازی صحنه تیراندازی ادامه دارد.